

تحلیل و بررسی نقش حقوق کیفری در توسعه پایدار شهری: مطالعه موردی مدیریت تراکم فروشی افراطی در کلانشهرهای ایران

مهران مینا

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

محمد مهدی رحیمی^۱

استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۲/۲۰ تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۲۴

چکیده

به دلیل اهمیت سه مولفه اجتماع، اقتصاد و محیط زیست و همبستگی میان آن‌ها در طول دهه‌ی گذشته حکومت بسیاری از کشورهای در حال توسعه روندی را به منظور اجرای برنامه‌های خط‌مشی سیاست زیست محیطی ملی و راهکارهای ملی جهت توسعه‌ی پایدار آغاز کردند. این مقاله از آن جهت که موضوعی بین رشته‌ای دارد و سعی دارد با استفاده از قوانین کیفری به حل معضلات شهر تهران یاری رساند پژوهشی کاربردی و بدیع محسوب می‌شود. هدف اصلی مقاله عبارت است از بررسی نقش حقوق کیفری در توسعه پایدار شهر تهران از طریق مدیریت تراکم فروشی افراطی. سوال اصلی مقاله این است که حقوق کیفری چگونه می‌تواند از طریق مدیریت تراکم فروشی افراطی به توسعه پایدار شهر تهران یاری رساند؟ فرضیه‌ای را که برای تحلیل و بررسی سوال فوق برگزیده‌ایم این است که حقوق کیفری می‌تواند از طریق مدیریت تراکم فروشی افراطی به توسعه پایدار شهر تهران یاری رساند. روش انجام این تحقیق با توجه به موضوع و اهداف و شیوه گردآوری اطلاعات به صورت توصیفی - تحلیلی و از طریق بررسی متون قانونی و نظریات حقوقدانان و فقهای در خصوص موضوع حاضر می‌باشد. بر این اساس جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و مراجعه به پایگاه‌های داده و جستجوی اینترنتی مقالات دارای درجه علمی معتبر و به روز رسانی شده خواهد بود. ابزار گردآوری اطلاعات به صورت فیش برداری و بانک‌های اطلاعاتی است. روش تجزیه و تحلیل در این مقاله به صورت کیفی و استدلالی خواهد بود. بدین شیوه که متغیرهای موضوع را مورد بررسی قرار داده و ضمن توصیف و تحلیل داده‌های گردآوری شده به صورت نظامند به تبیین ابعاد مختلف موضوع پرداخته و با گذار از آنچه هست به آنچه باید باشد، داده‌ها مورد استدلال قرار می‌گیرند.

واژگان کلیدی: حقوق کیفری، توسعه پایدار شهری، تراکم فروشی افراطی، کلانشهرهای ایران.

مقدمه

تراکم در اصطلاح دانش شهرسازی دو معنا دارد: تراکم ساختمانی که عبارت است از نسبت مساحت زیربنای ساختمانی (در مجموع طبقات) به کل مساحت زمین مسکونی که به درصد بیان می‌شود برای تراکم، به عوامل متعددی توجه می‌کنند؛ از جمله شرایط آب و هوایی، ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی ساکنان درآمد خانوار، نرخ رشد جمعیت، بهداشت جمعی و روانی، قیمت زمین و غیره. تراکم جمعیتی که عبارت است از نسبت تعداد جمعیت به واحد سطح و مقیاس آن در مطالعات شهری کشور. جایگزینی آپارتمان‌های مسکونی کوچک و با تراکم بالا به جای خانه‌های دارای حیاط، نوعی تهاجم به ساخت و کارکرد های شهری ایران بوده که آثار مستقیمی بر الگوی رفتاری ساکنین گذاشته است. یکی از توجیحات اقتصادی افزایش تراکم، نظریه و بحث تولید انبوه است. بر این اساس هرچه میزان تولید و ساخت بیشتر باشد هزینه ساخت تاسیسات شهری با صرفه‌تر خواهد بود. اما در پی افزایش تراکم چنانچه تاسیسات زیربنایی کفایت نکند، آنگاه ساخت تاسیسات شهری جدید و در مقیاس کلان مقرون به صرفه نخواهد بود.

طرح موضوع فروش تراکم عمدتاً به سال‌های ۱۳۶۹ و پس از آن باز می‌گردد و در ارتباط تنگاتنگی با رویکرد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن دوره قرار دارد. مخالفت‌ها با مسئله فروش تراکم - فارغ از مباحث قانونی آن عمدتاً با مباحث حقوق همسایه در اسلام مرتبط است. از این منظر، شاید بتوان بحث اشراف را فرهنگی‌ترین حاشیه بحث تراکم فروشی به شمار آورد. امروزه تأکید بر مسئله اشراف در کلان‌شهرهای ظرفیت لازم جهت تأثیرگذاری و حساس نمودن مردم و سیاست‌گذاری نسبت به مسئله تراکم فروشی را از دست داده است، چرا که امروزه بحث در باره اشراف مانند گذشته اهمیت فرهنگی ندارد. این امر می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد که از جمله آن‌ها می‌توان به مسئله تغییر کارکرد حیاط در زندگی خانواده‌های شهری اشاره نمود (Valinejd torkmani et al., 2011)

در بعد اجتماعی، تراکم فروشی سبب تبدیل مسکن از محصولی در جهت رفع نیاز به کالایی در جهت عرضه به بازر شده است. هنگامی که عده‌ای تحت عنوان بساز و بفروش با تخریب منزل‌های قدیمی بتوانند به سود کلانی دست پیدا نمایند سلسله وقایع جدید به وقوع خواهد پیوست که ضرورتاً در جهت ایجاد خانه و محلات مناسب با فرهنگ ایرانی اسلامی پیش نخواهد رفت. یکی از دلایلی که شهرداری‌ها را به سمت تقاضا برای دریافت مجوز فروش تراکم از شورای عالی شهرسازی و معماری کشانده، موضوع ضرورت خودکفایی شهرداری‌ها بر اساس تکلیف قانون بودجه سال ۱۳۶۲ می‌باشد. با توجه به نیاز شهرداری‌ها به منابع درآمدی، برای انجام وظایف و تکالیف محوله از جمله حقوق پرسنل تا بسیاری از خدمات زیباسازی و پاکسازی خیابان و معابر که عهده آن‌ها گذاشته شده است، شهرداری‌ها جهت جبران کسری بودجه گرایش خاصی به درآمد حاصل از تخصیص سهم حاصل از تغییر کاربری‌ها به خصوص تغییر کاربری باغات به کاربری تجاری و مسکونی، عوارض مکتسب از املاکی که خارج از محدوده و حریم شهر بوده و داخل حریم شهر می‌شوند و درآمد حاصل از فروش تراکم ساختمان و تخلفات ساختمانی پیدا کرده‌اند. در صورتی که اصولاً شهرداری‌ها موظف به حفاظت، مراقبت و کنترل چنین مواردی می‌باشند. در دهه هفتاد شهرداری تهران با اتخاذ سیاست فروش تراکم مازاد، در عمل موجبات شکل‌گیری یک قشر قدرتمند اقتصادی سیاسی را در تهران فراهم آورد که همین مسئله به زبان بسیاری از تحلیل

گران اقتصاد شهری، تبدیل به یکی از موانع رشد پایدار اقتصاد شهر تهران و هم چنین تبدیل آن به شهری با معیار های جهانی شده است (Nozari and Rajab Doust, 2009).

در حالی که تراکم ساختمانی صرفاً به عنوان یک ابزار در سیاست‌های شهرسازی و طرح‌های توسعه شهری مطرح است، به عنوان یک هدف و موضوع صرفاً اقتصادی به آن نگریسته شده است. برخورد انتزاعی به این ابزار، تبعات منفی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی، زیست محیطی و حتی سیاسی مدیریتی را همراه داشته است. آثار و تبعات ناشی از تصمیم در خصوص تراکم ساختمانی در دو مقیاس ملی و محلی قابل بررسی است. در مقیاس ملی، چنانچه هرگونه تصمیم در رابطه با تراکم ساختمانی بصورت کلان اتخاذ شود، اثرات عمیق نظیر موارد فوق الذکر برجای می‌گذارد. مورد شهر تهران مثالی از این گونه تصمیم‌گیری‌ها است که از تراکم به عنوان صرفاً یک ابزار اقتصادی برای تامین درآمد شهرداری استفاده گردید. در مقیاس محلی نیز اثرات تصمیم در مورد تراکم ساختمانی قابل تاملی است. هرگونه تغییر در وضعیت تراکم ساختمانی اثرات محسوس و کوتاه مدت بر جامعه و کالبد محیط مسکونی بر جای می‌گذارد. عوارض اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی تصمیمات تراکم در مقیاس محلی، کیفیت زندگی ساکنین را تحت الشعاع قرار می‌دهد که ایمنی ساختمان‌ها، دسترسی، اشراف، سایه اندازی، سد معبرها و سایر مزاحمت‌ها از آن جمله‌اند. پدیده فروش تراکم یا فروش تراکم مازاد ساختمانی از بعد نظری می‌تواند دارای نقاط مثبت و منفی باشد. نکات مثبت این پدیده را می‌توان در تحقق نظریه شهر عمودی، شهر فشرده، توجیه اقتصادی در تامین زیرساخت‌ها و تجهیزاتی شهری، حفظ اراضی کشاورزی، افزایش تولید مسکن و کسب درآمد برای شهرداریان است (Nodeh Farahani, 2013). در مقابل، عوارض چنین پدیده‌ای نیز قابل تامل هستند که از آن جمله میتوان برهم زدن نظام تراکم جمعیتی شهر، برهم زدن سازمان فضایی و استخوان‌بندی شهر، نابودی باغات و فضاهای سبز به عنوان منابع تنفسی شهر در نتیجه بورس بازی سوداگری زمین و مسکن و نیز تشدید مسائل اجتماعی و فرهنگی ساکنین محلات و واحدهای همسایگی را برشمرد.

مسائل و چالش‌های ناشی از تصمیمات انتزاعی در خصوص تراکم ساختمانی در سالهای اخیر، نشان از اهمیت و جایگاه ویژه مسائل شهرها و سیاست‌های توسعه شهری است. تراکم ساختمانی یک ابزار شهرسازی برای مشارکت در خلق محیط مطلوب شهری است که می‌باید در راستای اصول و معیارهای فوق الذکر به آن پرداخته شود. ضروری است تمام عوامل موثر بر آن همراه با پیش بینی تبعات حاصل از تصمیمات در مقیاس ملی و محلی مورد توجه قرارگیرد. در غیر اینصورت، هریک از سایر مسائل شهری نیز می‌تواند در آینده بحران، تنش و چالش تراکم را تجربه کند. هدف اصلی مقاله عبارت است از بررسی نقش حقوق کیفری در توسعه پایدار شهر تهران از طریق مدیریت تراکم فروشی افراطی. سوال اصلی مقاله این است که حقوق کیفری چگونه می‌تواند از طریق مدیریت تراکم فروشی افراطی به توسعه پایدار شهر تهران یاری رساند؟ روش انجام این تحقیق با توجه به موضوع و اهداف و شیوه گردآوری اطلاعات به صورت توصیفی - تحلیلی و از طریق بررسی متون قانونی و نظریات حقوقدانان و فقهای در خصوص موضوع حاضر می‌باشد. بر این اساس جمع آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و مراجعه به پایگاه‌های داده و جستجوی اینترنتی مقالات دارای درجه علمی معتبر و به روز رسانی شده خواهد بود. ابزار گردآوری اطلاعات به صورت فیش برداری و بانک‌های اطلاعاتی است.

مفهوم شناسی و مبانی نظری

حقوق کیفری عمومی یا حقوق جزای عمومی شاخه‌ای از حقوق کیفری است که به مطالعه قواعد کلی و مشترک جرایم و مجازات‌ها می‌پردازد. تعریف جرم و مجازات، شروط تحقق بزه (جرم) و عناصر آن، انواع مجازات و مطلوبیت آنان، علت‌شناسی پدیده‌های جنایی و فلسفه سزادهی مجرمان و همچنین بررسی اصول پذیرفته شده در حقوق کیفری و تاریخچه این علم از موضوعات حقوق کیفری عمومی هستند. حقوق کیفری عمومی و حقوق کیفری اختصاصی دو شاخه علم حقوق کیفری در تعریف گرایش مکتب حقوقی رومی ژرمنی است. در گرایش آنگلو‌ساکسون و مکتب کامن‌لا چنین اشتقاقی در حقوق کیفری وجود ندارد. هر چند بیشتر اصول پذیرفته حقوق کیفری عمومی جهان‌شمول هستند و تعریف آن از پدیده‌های مورد بررسی خود معمولاً تفاوت اصولی با تعاریف موجود در کامن‌لا ندارند. بخشی از قواعد حقوق کیفری عمومی در مواد ابتدایی قانون مجازات اسلامی ایران (از ماده ۱ تا ۶۲) بیان شده‌اند. به‌طور کلی در حقوق کیفری عمومی از قواعد و اصول عمومی حاکم بر کلیه جرائم و مجازات‌ها گفتگو می‌شود و در حقوق کیفری اختصاصی هر جرمی به‌طور خاص مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در حقوق کیفری عمومی از سه موضوع اصلی جرم، مجرم، و مجازات گفتگو می‌شود (Philosophy of Law, 1998).

امروزه شهرها به عنوان مصرف‌کننده و توزیع‌کننده اصلی کالاها و خدمات، کانون توجه بحث پایداری شده‌اند. بنابراین به منظور دستیابی به یک وضعیت پایدار واقعی در شهرها، تدوین سیاست‌هایی جهت حصول به شهرهای پایدار ضروری می‌نماید. به همین منظور مقوله‌ای مهم تحت عنوان توسعه شهری پایدار در طول دهه ۱۹۹۰ و تا به امروز مورد توجه قرار گرفته است. در بسیاری از شهرهای جهان مسائل و چالش‌های اساسی مانند ترافیک و تراکم زمین، ساختمان‌های متروک و خالی از سکنه، تغییر کاربری زمین، آلودگی صوتی، آلودگی آب و بسیاری از موضوعات زیست‌محیطی دیگر موضوع پایداری شهرها را مطرح می‌کنند. لذا با توجه به مسائل و مشکلاتی که کلانشهرها دارند باید به ابعاد و اصول توسعه پایدار شهری توجه کرد و برای رسیدن به توسعه پایدار انسانی، شهر پایدار و پایداری شهری، باید برنامه ریزان، شهرسازان و مدیران شهری، با مدیریت صحیح و سالم بتوانند فضایی سالم و درخور برای مردم ایجاد کنند. از طرفی با مهاجرت بی‌رویه به کلانشهرها، مباحثی مانند اسکان شهروندان، حاشیه‌نشینی و بیکاری مطرح می‌شود. بخش عمده‌ای از گسترش افقی شهرها به این دلیل رخ می‌دهد که بافت موجود پاسخگوی نیازها و انتظارات جمعیت ساکن در آن نیست و اجتماع ساکن در جستجوی محیط پاسخگوتر و مناسب‌تر محیط انسان ساخت جدیدی را در بستری جدید بنیان است. بافت‌های تاریخی نواحی مرکزی شهرها، پاسخگوی نیاز و انتظارات شهروندان آن نبوده و از جمعیت اصلی تهی می‌شود، بافتی که از لحاظ زیست‌محیطی و اکولوژیکی پایدار بوده، اما پایداری اجتماعی و اقتصادی را از دست داده است (Heidarzadeh, 2003).

اندیشه توسعه شهری پایدار از جنبه‌های بسیار گسترده مطالعات در امور توسعه است. ارائه یک تعریف مشخص در این رابطه زیاد ساده نیست، اما سعی می‌شود معنی توسعه شهری پایدار از بین مفاهیم، اصول و تاریخچه مطالعات کاربردی تشریح شود. اندیشه توسعه شهری پایدار تنها در ارتباط با تحولات تاریخی مطرح نمی‌شود، بلکه در این رابطه توسعه خردمندانه علوم مختلف و دانش اجتماعی نیز مطرح است. توجه به تحولات باعث می‌شود حجم و کیفیت دانش موجود درباره محیط زیست شهری افزایش یابد؛ از جمله علم شناسایی و رفع آلودگی هوا، گازهای

گلخانه‌ای، تغییرات جهانی آب و هوا و موارد دیگری از این قبیل در این رابطه مطرح می‌شوند. پیشرفت در زمینه علوم اجتماعی نیز با کمک دستور کارهای تحقیقی مختلف درباره توسعه پایدار صورت می‌گیرند. آن چه ذکر شد نشان دهنده این است که بحث توسعه شهری تحت تأثیر مفاهیم و موضوعات مختلفی قرار گرفته و با علومی چون سیاست های اقتصادی و دانش تئوری و تجربی به مقابله برخاسته است و بعضی اوقات نیز با تحولات تاریخی شکل گرفته یا تغییر جهت داده است. توسعه پایدار شهری به معنی بهره‌وری در استفاده از زمین و تشویق به استفاده مجدد از ساختمان هاست. با توجه به این که امروزه با مسائلی همچون گرم شدن هوا، مصرف بی‌رویه انرژی و استفاده بی‌قید و بند از منابع تجدید ناپذیر روبرو هستیم و شهرها جز عوامل اصلی بروز این ناهنجاری‌ها در انسان و طبیعت می‌باشند، باید سیاست‌گذاری‌های اصولی و فرامنطقه‌ای را در به کارگیری و مصرف در پیش بگیریم. در واقع شهرهایی در قرن های آتی قابل زیست خواهند بود که پایداری خود را مدیون فروتنی، عطوفت و قبول مفهوم قناعت هستند. با توسعه شهرها و تمرکز پیوسته رو به رشد و فعالیت های اقتصادی در مراکز شهری، به ویژه در کشورهای کمتر توسعه یافته، پایداری شهری بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. زیرا بی توجهی به پایداری شهرها، سبب خواهد شد مسایل و مشکلات موجود در شهرها، از قبیل: نابرابری و فقر، کاهش سطح کیفیت زندگی، وضعیت مسکن و توسعه فیزیکی شهرها، بیکاری و اشتغال کاذب و جرم و فساد، بیش از پیش افزایش یابد. بنابراین، نه تنها بی توجهی به پایداری در فرآیند توسعه، بر شهرها تأثیر منفی خواهد گذاشت، بلکه در مناطق پیرامون و سکونت گاه‌های انسانی کوچک (روستاها) نیز تأثیرات منفی خواهد داشت که این امر، لزوم توجه به پایداری شهرها را در گرو توسعه منطقه و برنامه‌ریزی بهینه منطقه‌ای ضروری می‌نماید (Dusty, 2008).

تراکم به عنوان نسبت ساختمان، فعالیت، جمعیت و زمین، معیاری است که نحوه و نوع رابطه بین چهار مؤلفه فوق را برقرار می‌کند و لذا در روال و روند رشد و توسعه شهری، هنگامی که توسعه افقی در شهرها مقدور نباشد با افزایش تراکم روبرو می‌شویم. تراکم های بالای ساختمانی، مسکونی و جمعیتی به خودی خود نیاز به سطح بالاتری از خدمات زیربنایی (آب، برق، گاز و رو بتایی فضای سبز، آموزشی، درمانی) را ایجاب می‌کند که در صورت عدم تأمین و پیش بینی، سیستم تسهیری و به دنبال آن زندگی و حیات شهری را با آشفتگی، بی نظمی و اختلال مواجه کرده و در صورتی که روند خود به خودی و بی برنامه افزایش تراکم ادامه یابد بدون تردید عواقب آن کل حیات شهری را تهدید خواهد کرد اما از سوی دیگر افزایش تراکم در روال رشد طبیعی شهر، امری معمول، طبیعی و گاه ضروری است. تراکم بالاتر به معنی صرفه جویی در هزینه‌های خدماتی و دسترسی‌ها بر مبنای مکانیزم صرفه جویی ناشی از مقیاس و تجمع بوده و به هر حال تا حدی و به میزانی که مجموعه پارامترهای اقتصادی، کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی و امثال آن اجازه دهند تداوم یافته و هیچ نیرویی قادر به توقف و جلوگیری از آن نبوده و نخواهد بود. تراکم را می‌توان به عنوان معیار یا یک سیستم اندازه‌گیری تعریف نمود. این سیستم ما را قادر می‌سازد تا با یک الگوی ریاضی ساده، مقدار زیربنای ممکن در سطح معینی از زمین را محاسبه کنیم و حاصل آن را به عنوان تراکم ساختمانی در نظر بگیریم (Mahdizadeh, 2005).

تراکم در اصطلاح دانش شهرسازی دو معنا دارد:

۱. تراکم جمعیتی: عبارت است از نسبت تعداد جمعیت به واحد سطح و مقیاس آن در مطالعات شهری کشور.

۲. تراکم ساختمانی: عبارت است از نسبت مساحت زیربنای ساختمانی (در مجموع طبقات) به کل مساحت زمین مسکونی که به درصد بیان می‌شود برای تراکم، به عوامل متعددی توجه می‌کنند؛ از جمله شرایط آب و هوایی، ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی ساکنان درآمد خانوار، نرخ رشد جمعیت، بهداشت جمعی و روانی، قیمت زمین و غیره (Mahdizadeh, 2002).

نظریه‌های مربوط به موضوع تراکم در دو دسته قابل تقسیم‌اند، دسته اول نظریه‌های واقع‌گرا هستند که به بررسی نقش عوامل موجود در تعیین تراکم‌های ساختمانی می‌پردازند، دسته دوم، نظریه‌های هنجارگرا به تراکم‌های مناسب ساختمانی نگاهی آرمانی دارند (Nodeh Farahani, 2014: 34).

۱- نظریه‌های واقع‌گرا در موضوع تراکم

از نظریه‌های واقع‌گرا می‌توان به نظریه شیب و برزن‌های شهری برگس، اشاره نمود. این نظریه از کهن‌ترین نظریات مبتنی بر بوم‌شناختی اجتماعی است. وجه بارز آن اعتقاد به این نکته است که در گسترش شهر، فرایند پخشایشی روی می‌دهد که افراد و گروه‌ها را جابجا نموده، تقسیم می‌کند و مکان سکونت و اشتغال افراد ساکن را تغییر می‌دهد. او معتقد است که فرایند مکان‌گزینی تحت سه مسیر چیرگی، تازش و جانشینی از طریق برزن‌های شهری (مکان‌هایی که توسط شرایط عرضه تاریخی تصمیم‌گیری می‌شوند) وقوع می‌یابد. این فرایند را فرایند بازار خصوصی برای تخصیص زمین و مسکن و رقابت برای کاربرد زمین را رقابت اقتصادی می‌توان به شمار آورد. برگس معتقد است که با فاصله گرفتن از مرکز شهر از شدت استفاده از زمین کاسته می‌شود. بیشترین تراکم یا شدت استفاده از زمین در مرکز شهر خواهد بود (Mozayanni, 2002).

همرهویت از دیگر نظریه‌پردازانی است که به نقش شرایط طبیعی، فرایند توسعه تدریجی و شبکه حمل و نقل شعاعی در شکل‌گیری ساخت شهر می‌پردازد و معتقد است که در نتیجه تأثیر این سه عامل، ساخت شهر به صورت قطاعی توسعه می‌یابد. عامل طبیعی در مراحل اولیه شکل‌گیری ساخت شهر موجب می‌شود تا نوع کاربری و شدت استفاده از زمین بر اساس تفاوت‌های طبیعی و جغرافیایی از یکدیگر تفکیک شوند و مکان‌های مناسب‌تر برای کاربری‌های ویلایی و نامناسب‌تر برای استفاده مسکن اقشار کم درآمد و یا کارگاهی استفاده شود. در نهایت این عوامل، تأثیر خود را بر روی تقاضا و قیمت زمین منعکس می‌کنند و در نتیجه اراضی با قیمت بالاتر برای استفاده‌های متراکم‌تر انتخاب می‌شود (همان). هریس و المن در نظریه ساخت چند هسته‌ای به نقش تغییر صرفه‌های ناشی از تراکم و هزینه حمل و نقل در طول زمان می‌پردازند و معتقدند که تحت تأثیر تحولات صورت گرفته در هزینه‌های حمل و نقل و صرفه‌های ناشی از تراکم، شدت استفاده از زمین و تراکم ساختمانی از اطراف مرکز شهر به نقاطی که از دسترسی بالاتری برخوردارند انتقال می‌یابد (Kamanroudy, 2013).

۲- نظریه‌های هنجارگرا در موضوع تراکم

نظریه‌های هنجارگرا را می‌توان در سه رویکرد دسته‌بندی نمود. در رویکرد اول بر توسعه‌ی افقی شهرها تأکید می‌شود و در نتیجه، تراکم‌های پایین جمعیتی و ساختمانی پیشنهاد می‌گردد. در رویکرد دوم توسعه عمودی شهر پیشنهاد می‌شود تا از این طریق بتوان به کارایی عملکردهای شهری، صرفه‌جویی در مصرف انرژی و حفاظت از

محیط زیست کمک نمود. رویکرد سوم را می‌توان تلفیقی از دو رویکرد فوق تلقی نمود که به توزیع مناسب تراکم در سطح شهر معتقد است تا دستیابی به اهداف توسعه اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی امکانپذیر گردد. برخی از این نظریه‌ها عبارت‌اند از: نظریه شهر گسترده فرانک لوید رایت، نظریه شکل خوب شهر لینچ، نظریه شهر عمودی پائولرسولری، نظریه شهر معاصر لوکوربوزیه، نظریه شهر فشرده، نظریه عدم تمرکز متمرکز، نظریه مواضع تلفیقی (قربانی، ۱۳۸۳).

۳- تأثیرات شهرنشینی بر محیط زیست

برخی از اثرات احتمالی شهرنشینی بر روی محیط زیست در حد جزئی و به‌طور جداگانه در سه نظریه مرتبط با هم مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. نظریه‌ی نخست، بر اثرات در سطح ملی تمرکز دارد، دو نظریه‌ی دیگر نیز بر اثرات در سطح شهر اشاره می‌کنند. در ادامه، توضیح اندکی در مورد هر یک از این نظریه‌ها ارائه می‌شود (Ibid., 2004: 86).

۴- نظریه‌ی نوسازی بوم شناختی

این نظریه در اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی در گروه کوچکی از کشورهای اروپای غربی، به ویژه آلمان، هلند و انگلستان توسعه یافته است. دانشمندان علوم اجتماعی همچون مارتین ژانیک از آلمان، آرتور پی. جی. مول از هلند و جوزف مورفی از بریتانیا، سهم قابل توجهی در تدوین این نظریه داشته‌اند. هدف نظریه‌ی نوسازی بوم شناختی، تجزیه و تحلیل چگونگی مقابله‌ی جوامع صنعتی با بحران‌های زیست محیطی است. هدف کلی مطالعات انجام شده در راستای نظریه‌ی سنتی نوسازی زیست محیطی، بر تعدیلات زیست محیطی (موجود و برنامه‌ریزی شده) در اثر فعالیت‌های اجتماعی، طرح‌های نهادی-اجتماعی و همچنین گفت‌وگوهای سیاسی برای حفاظت از پایگاه معیشتی جوامع، متمرکز است، بنابراین نظریه‌ی نوسازی بوم شناختی نه تنها بر نوسازی اقتصادی، بلکه بر دگرگونی‌های اجتماعی- نهادی نیز تأکید دارد. در این نظریه، شهرنشینی یک فرآیند تحول اجتماعی است. محققان استدلال می‌کنند که مشکلات زیست محیطی ممکن است از مراحل پایین توسعه تا مراحل میانی توسعه، افزایش یابند. با این حال، نوسازی بیشتر، می‌تواند چنین مشکلاتی را به حداقل برساند. به عنوان مثال، جوامعی که به سوی تحقق بخشیدن به اهمیت پایداری محیط زیست سوق پیدا می‌کنند، به دنبال از بین بردن اثرات مخرب زیست محیطی ناشی از رشد اقتصادی، در اثر نوآوری‌های تکنولوژیکی، تراکم شهری و تغییر جهت به سمت صنایع مبتنی بر دانش و خدمات، هستند (Gorbani et al., 2011).

۵- نظریه‌ی تحول محیط زیست به شهر

این نظریه ابزار قدرتمندی جهت پاسخ‌گویی به این پرسش است که چالش‌های زیست محیطی‌ای که شهرها تحت تأثیر آن‌ها قرار می‌گیرند، کدام‌اند؟ این نظریه به‌طور عمده، انواع مسائل زیست محیطی-شهری و تکامل آن‌ها را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. مک‌گرانان و همکاران (۲۰۰۱)، مک‌گرانان و سونگسور (۱۹۹۴)، ادعا می‌کنند که فشارهای محیط زیست-شهری منجر به پراکندگی و تأخیر بیش‌تر در تنظیم منابع می‌شوند. در نتیجه مسائل زیست محیطی- شهری در مراحل مختلف توسعه‌ی اقتصادی متفاوت‌اند (McGranran et al., 2001). مراحل پایینی

توسعه، بیش‌تر اوقات با مشکلات زیست‌محیطی مربوط به فقر (کمبود عرضه‌ی آب سالم و بهداشت نامناسب) مواجه است. با این حال، با افزایش سطوح درآمدی، این مشکلات به تدریج فروکش می‌کنند. افزایش ثروت در شهرها، بیش‌تر با افزایش در فعالیت‌های تولیدی که منجر به ایجاد آلودگی‌های صنعتی قابل توجهی همانند آلودگی آب و هوا می‌شود، همراه است. چنین مشکلاتی در شهرهای ثروتمند به علت بهبود در مقررات زیست‌محیطی، پیشرفت تکنولوژیکی و تغییرات ساختاری در اقتصاد، کاهش می‌یابند. الگوهای مصرفی و شیوه‌های زندگی در شهرهای ثروتمند در مقایسه با شهرهای با درآمد پایین‌تر، بیش‌تر به سمت استفاده از منابع بیش‌تر تمایل دارند، بنابراین شهرهای ثروتمند بیش‌تر با مسائل زیست‌محیطی مربوط به مصرف مواجه هستند؛ به عبارت دیگر، در شهرهایی که به ثروتمند شدن می‌گیرند، تقاضا برای زیرساخت‌های شهری، حمل‌ونقل و مصرف منابع شخصی افزایش می‌یابد. در نتیجه، مسائل مربوط به مصرف، هم‌چون مصرف انرژی و انتشار ناشی از آن، دارای اهمیت می‌شوند (Gholami et al., 2012).

کلانشهرهای ایران

کلانشهر عنوانی است که درباره شهرهای بزرگ و پرجمعیت به‌کار می‌رود. کلانشهر معمولاً از یک شهر مرکزی و تعدادی شهر اقماری تشکیل شده است. به کلانشهر، مادرشهر هم گفته می‌شود. کلانشهرها معمولاً از اهمیت سیاسی، اقتصادی، بازرگانی و فرهنگی فراوانی برخوردارند و از مراکز مهم اقتصادی و تجاری هر کشور محسوب می‌شوند. همچنین امکانات ورزشی، فرهنگی، آموزشی و گردشگری بسیاری دارند؛ به همین دلیل هم پذیرای گردشگرهای دیگر شهرها و کشورها هستند.

در تعریف بین‌المللی کلانشهر که سازمان ملل متحد آورده است، کلانشهر یا مادرشهر به شهرهایی گفته می‌شود که بیش از ۸ میلیون نفر جمعیت داشته باشند. از این رو با توجه به دیدگاه تعریف بین‌المللی، در ایران فقط شهر «تهران» به‌عنوان کلانشهر شناخته می‌شود. درعین حال، همان‌طور که تعریف مفهوم شهر در کشورهای مختلف متفاوت است، تقسیم‌بندی انواع شهرها نیز برحسب میزان فعالیت‌ها، میزان جمعیت‌پذیری و حوزه نفوذ شهر در کشورهای گوناگون با یکدیگر یکسان نیست؛ اما در ادبیات رایج کشور ایران، اصطلاح کلانشهر معادل مادرشهر^۱ است و به شهرهایی اطلاق می‌شود که حداقل یک میلیون نفر جمعیت داشته باشند، واجد مرکزی اقتصادی و سیاسی باشند و در مقیاس ناحیه‌ای یا ملی از موقعیتی مرکزی برخوردار باشند. «کلانشهر» در ایران به شهری اطلاق می‌شود که یک میلیون نفر یا بیشتر جمعیت داشته باشد. تعریف کلانشهر را در سال ۱۳۸۷، محمد سعیدی کیا، وزیر وقت مسکن و شهرسازی، در شورای عالی شهرسازی و معماری اصلاح کرد و طبق آن شهرهای با جمعیت بیش از ۵۰۰ هزار نفر کلانشهر محسوب می‌شوند. به دلیل نداشتن تعریف حقوقی واحد از کلانشهر، در ایران فقط شهرهای دارای بیش از یک میلیون نفر می‌توانند از مزایای قانون مالیات بر ارزش افزوده بهره بیشتری ببرند. با تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری، شهرهای زیر یک میلیون نفر می‌توانند به‌صورت قانونی و رسمی کلانشهر شوند، اما نمی‌توانند از قانون

^۱. Metropolis

مالیات بر ارزش افزوده بهره بیشتری ببرند. در حال حاضر شهرهای تهران، کرج، خراسان رضوی، اصفهان، آذربایجان شرقی، فارس و مرکزی کلان‌شهرهای ایران محسوب می‌شوند.

جدول ۱: فهرست شهرهای میلیونی ایران بر اساس سرشماری ۱۳۹۵

ردیف	جمعیت	شرح
-	۷۹۹۲۶۲۷۰	جمعیت کل کشور
۱	۸۸۳۷۵۱۰	تهران
۲	۳۳۷۲۶۶۰	مشهد
۳	۲۲۴۳۲۴۹	اصفهان
۴	۱۹۷۳۴۷۰	کرج
۵	۱۸۶۹۰۰۱	شیراز
۶	۱۷۷۳۰۳۳	تبریز
۷	۱۳۰۲۵۹۱	اهواز
۸	۱۲۹۲۲۸۳	قم
۹	۱۰۸۳۸۳۳	کرمانشاه
۱۰	۱۰۴۰۵۶۵	ارومیه

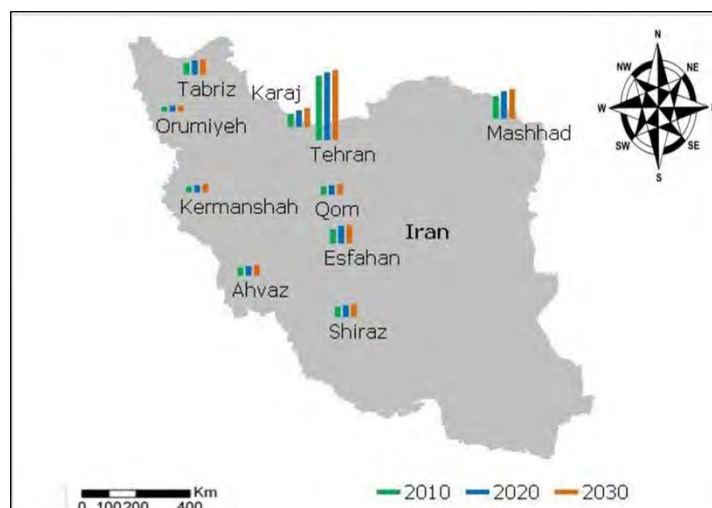
Source: (<https://www.amar.org.ir>)



نمودار ۱: فهرست شهرهای میلیونی ایران بر اساس سرشماری ۱۳۹۵

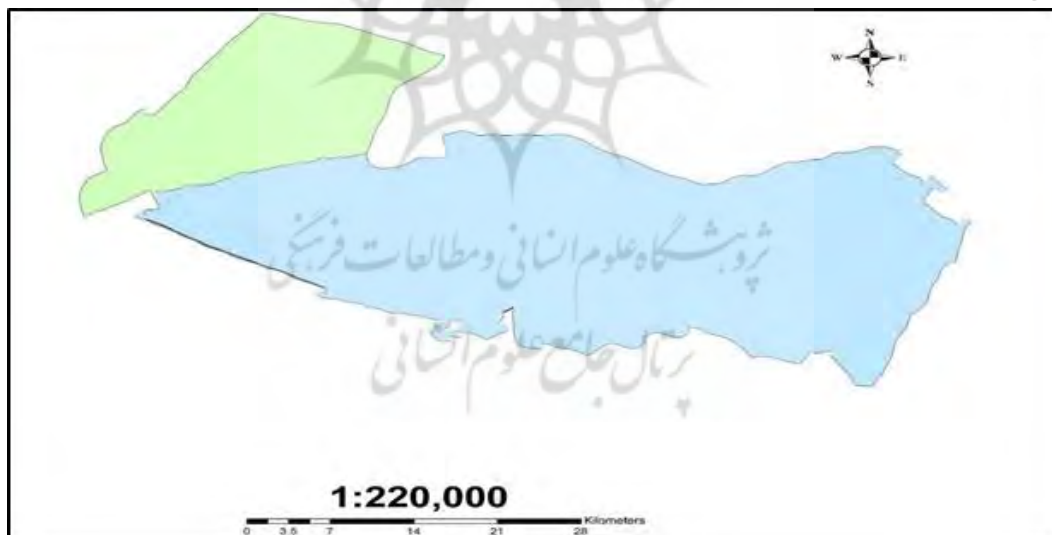
Source: (Research findings)

شهرنشینی با سرعت بالایی در ایران به پیش می‌رود. در واقع ایران سریع‌ترین نرخ شهرنشینی در جهان را دارد. در ۱۹۸۰ کمتر از نیمی از ایرانیان در مناطق شهری زندگی می‌کردند. در ۲۰۱۰، ۶۵/۵ درصد از جمعیت ایران شهرنشین محسوب می‌شدند که این آمار در سال ۲۰۳۰ به ۷۷/۹ درصد خواهد رسید. در سال ۲۰۱۰ میلادی ایران دارای ۸ شهر با جمعیتی بالاتر از یک میلیون نفر بود. در سال ۲۰۳۰ این تعداد به ۹ خواهد رسید. تهران پر جمعیت‌ترین شهر کشور است که در سال ۲۰۱۰ ۷/۴ میلیون نفر ساکن داشت که سه برابر شهر پر جمعیت بعدی یعنی مشهد بود. در ۲۰۳۰ جمعیت تهران به ۸ میلیون نفر خواهد رسید و از هر ده نفر ایرانی شهرنشین یک نفر در تهران زندگی خواهد کرد. تمامی شهرهای بزرگ ایران تا ۲۰۳۰ افزایش جمعیت خواهند داشت اما انتظار می‌رود شهر کرج با ۳۹/۴ درصد رشد بیشترین مقدار افزایش جمعیت را به خود اختصاص دهد. بعد از کرج شهرهای ارومیه و مشهد بالاترین نرخ رشد را تا ۲۰۳۰ خواهند داشت (Euromonitor International, 2016: Iran in 2030: The Future Demographic).



نقشه ۱: آینده شهرهای میلیونی ایران Source: Report of the EuroMonitor

جمعیت کشورمان چیزی در حدود ۷۸/۴ میلیون نفر است که هفدهمین کشور پر جمعیت جهان نیز به شمار می‌رود. بر اساس نتایج سرشماری سال ۹۵، شهر تهران با ۸ میلیون و ۷۳۷ هزار و ۵۱۰ نفر در مکان نخست قرار دارد و پس از آن مشهد با ۳ میلیون و ۳۷۲ هزار و ۶۶۰ نفر قرار دارد. کلان شهر اصفهان نیز با ۲ میلیون و ۲۴۳ هزار و ۲۴۹ در مکان سوم قرار داشته و کرج نیز در رتبه چهارم است. شهر شیراز نیز با یک میلیون و ۸۶۹ هزار و ۱ نفر در رده پنجم و تبریز با یک میلیون و ۷۷۳ هزار و ۳۳ نفر در مکان ششم قرار دارد. شهرهای اهواز، قم، کرمانشاه و ارومیه بر اساس نتایج سرشماری سال ۹۵ کشور در مکان‌های بعدی از لحاظ جمعیت قرار دارند (Gholami et al, 1394: 95)،



نقشه ۲: شهر تهران

Source: (<http://www.maphill.com>)

تهران پایتخت ایران و نیز مرکز استان تهران است. تهران همچنین با ۸۸۳۷۵۱۰ نفر جمعیت، بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین شهر ایران نیز محسوب می‌شود. تهران به لحاظ جمعیتی دومین شهر بزرگ غرب آسیا، سومین شهر بزرگ خاورمیانه و بیست و نهمین شهر بزرگ جهان است. در سال ۱۱۶۱ هجری شمسی، آقا محمدخان قاجار پس از به قدرت رسیدن، تهران را به عنوان پایتخت خود انتخاب کرد. تهران قطب اقتصادی ایران محسوب می‌شود، چرا که ۳۰ درصد از نیروی کار و نیز ۴۵ درصد از شرکت‌ها و صنایع کشور در این شهر متمرکز شده‌اند. تهران همچنین

به دلیل در اختیار داشتن جاذبه‌های فرهنگی بسیار، از جمله مقاصد گردشگری بزرگ کشور نیز محسوب می‌شود(-).
(Sadatmiyanaei et al, 2014: 126).

نقش حقوق کیفری در مدیریت تراکم فروشی افراطی

قانون اساسی ایران حاوی اصولی است که به طور مستقیم و غیر مستقیم به حفاظت از محیط زیست مربوط می‌شود یا برای حفاظت از آن قابل استفاده و استناد است. اصل ۵۰ قانون اساسی صریح‌ترین حکم قانونگذار اساسی در این زمینه است: در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است. در اصول دیگری از قانون مزبور، حقوق اساسی آحاد ملت تضمین و سیاست‌گذاری مناسب برای تحقق و تأمین آن حقوق، وظیفه حکومت دانسته شده است به طوری که مفاد این اصول چرخه‌ای به وجود آورده که از سویی پیش‌نیاز تحقق بسیاری از حقوق یاد شده «محیط زیست سالم» است و از سوی دیگر عمال صحیح آن سیاستها، مآلاً به حفظ محیط زیست از خرابی و آلودگی می‌انجامد. اهم اصول اشاره شده و احکامی که در بر دارند عبارتند از:

زبان حقوقی به منع سوء استفاده از حق یاد می‌شود، استوار کردن اقتصاد کشور برای تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله خوراک، بهداشت و درمان و نیز ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد با حفظ آزادگی او و تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی (اصل ۴۳ و بندهای ۱ و ۹)، حمایت از مالکیت در بخشهای دولتی، تعاونی و خصوصی تا جایی که موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود (اصل ۴۴)، اداره انفال از جمله معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، جنگلها و بیشه‌های طبیعی، بر طبق مصالح عامه (اصل ۵۴)، ممنوع بودن سلب امکان کسب و کار از دیگری به عنوان اعمال مالکیت نسبت به کسب و کار خود (اصل ۶۴)، حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت توسط دادگاههای دادگستری (اصل ۱۶) و پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی و تحقق بخشیدن به عدالت، احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع و نظارت بر حسن اجرای قوانین، کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم از سوی حنفوف کیفری (اصل ۱۵۶ و بندهای ۲، ۳، ۴ و ۵) (Hajinorouzi, 2006).

علاوه بر اصول مزبور، قوانین و آیین‌نامه‌های خاصی نیز برای حفاظت محیط زیست مورد تصویب مجلس قانونگذاری کشور و هیأت وزیران قرار گرفته که اهم آنها عبارتند از قانون شکار و صید مصوب ۱۳۶۴ (اصلاحی سالهای ۱۳۵۳ و ۱۳۷۵)، قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ (اصلاحیه ۱۳۷۱)، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴، قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی مصوب ۱۳۷۴ و آیین‌نامه جلوگیری از آلودگی آب مصوب ۱۳۷۳ و نیز فصل بیست و پنجم و ماده ۰۹۶ از فصل بیست و ششم از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ ضمن آن که اگر قضاوت، مفاد این تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی را در مخالفت با تأمین هدف اصلی یعنی حفاظت از محیط زیست که در قانون اساسی مورد تصریح قرار گرفته است، بیابند طبق اصل ۱۷۰ قانون اساسی موظفند تا از اجرای آن مقررات خودداری کنند. همچنان که در صورت بروز واقعه‌ای که

حکم آن در قوانین مزبور بیان نشده یا مفاد آنها دارای اجمال، ابهام، نقص و تناقض باشند، قضات می‌توانند بنا به تجویز اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹، با استناد به منابع معتبر اسلامی، فتاوی معتبر و اصول حقوقی، با تخریب و آلودگی محیط زیست مقابله کنند. همچنین رعایت و استعمال قواعد فقهی چون قاعده‌های «لا ضرر» و «من له الغنم» (به ضم غین و سکون نون، طبق این قاعده هر که از چیزی فایده می‌برد باید جبران خسارات وارده از ناحیه آن را بر عهده گیرد) نیز به این منظور کارگشا خواهد بود (Pourbafrani, 2010).

اما با نگاهی به سابقه قضایی ایران در این خصوص پی می‌بریم که متأسفانه حفوف کیفری کشورمان، علی‌رغم آن که از ساز و کار قانونی لازم و مناسب جهت حمایت و حفاظت از محیط زیست برخوردار است، مع الوصف تا کنون نتوانسته که به ایفای نقش قابل قبولی در این زمینه که امروزه یکی از بزرگترین دغدغه‌های بشری است، توفیق یابد.

گاهی دیده می‌شود که قضات محترم حداقل بجای رعایت نص قانون در حفاظت از محیط زیست، به دفاع از قوه مجریه که آلوده کننده تحت امر آن بوده، برآمده و با این توجیه که مثلاً نصب سیستم جلوگیری کننده از آلودگی محیط زیست یا تغییر محل کارگاه، به منبع مالی هنگفتی نیاز دارد که خارج از توان دولت است یا تعطیلی کارخانه باعث بیکاری کارگران می‌شود که مشکلاتی برای دولت به بار خواهد آورد، برای مشتکی عنه قرار منع تعقیب صادر می‌کنند (Taskhiri, 2003).

اطاله در دادرسی و صدور حکم نهایی و نیز تأخیر در اجرای برخی احکام صادره در دعاوی زیست محیطی، اشکال دیگری است که نظام قضایی کشورمان با آن روبروست در این باره پرونده‌های مربوط به آلودگی محیط زیست توسط صنایع شیمیایی پارچین که با تخلیه مستقیم فاضلاب آلوده به مواد شیمیایی در رودخانه جاجرود، موجبات آلودگی آب آن رودخانه را که اغلب به مصارف کشاورزی منطقه می‌رسد، فراهم می‌آورد و کارخانجات باتری سازی نیرو که با انتشار سرب حاصل از فرآیند تولید باتری، در سطح وسیعی از هوای منطقه پاسداران تهران، مقر یکی از واحدهای آن کارخانه، موجب آلودگی هوا می‌شد، قابل ذکرند. سازمان حفاظت محیط زیست شکایت خود را از آن دو واحد که وابسته به سازمان صنایع دفاع می‌باشند به ترتیب در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۶۱، تسلیم مقامات ذی صلاح دادگستری کرده بود! همچنین به شکایت‌های اداره کل حفاظت محیط زیست استان تهران از شرکت صنعتی ایران خودرو، به دلیل فعالیتهای بخش ریخته‌گری آن شرکت که موجب آلودگی شدید هوا و مآلا تهدید جدی سلامت ساکنان «شهرک دانشگاه» که در مجاورت شرکت مزبور قرار دارد، شده و از مدیر عامل شرکت عمران شهر جدید پردیس واقع در شرق تهران که بزرگترین شهرک خاورمیانه محسوب می‌شود، به دلیل عدم نصب سیستم تصفیه فاضلاب انسانی که منجر به آلودگی زمینهای زراعی و منابع آبی اطراف شده و خصوصاً اهالی ده باغکمیش را با نگرانی شدیدی مواجه کرده است، می‌توان یاد کرد (Taqizadeh Ansari, 1994).

از آنجا که شریعت به‌طور عام و دین اسلام به‌طور خاص ضمن جهت‌گیری به سمت مطلوب‌ها، واقعیات را نیز در نظر دارد و با توجه به این که همیشه افرادی برخلاف جهت فطرت اولیه خود حرکت می‌کنند، مجازات‌ها و پاداش‌هایی به منظور ضمانت اجرایی قوانین در نظر گرفته شده است. این مجازات‌ها که برخی در این دنیا و برخی

نیز برای عالم آخرت پیش‌بینی شده، به خوبی می‌تواند جلو انحراف‌های احتمالی از تعادل در همه ابعاد و در عرصه اقتصاد را که حاصل آن تحقق توسعه پایدار است بگیرد. حرمت ظلم به دیگران و از بین بردن حقوق انسان‌ها و حتی دیگر گونه‌ها، ممنوعیت اسراف و اتراف و اتلاف و تأکید و سفارش فراوان به مستحباتی در حوزه‌های گوناگون، انگیزه‌های خوبی را برای ایجاد توسعه پایدار فراهم می‌سازد. در این دنیا نیز سازوکارهای پاداش و جزا در نظر گرفته شده که مکمل مطالب پیش‌گفته خواهد بود. بدیهی است که وجود دولتی قدرتمند در نظام اقتصادی اسلام، رکن اساسی این ضمانت خواهد بود (Taqizadeh Ansari, 1994).

نخستین ویژگی و به تعبیری لازمه توسعه پایدار، تحقق خود توسعه است تا از پایداری آن سخن رود. توسعه، جریان چند بُعدی است که مستلزم تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی، طرز تلقی مردم، نهادهای ملی، تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است. توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی داخل نظام، از حالت نامطلوب به زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است، سوق یابد (Khalatbari, 1992). در این تعریف، توسعه در نظام اجتماعی دیده شده و هدف آن سوق دادن افراد درون این مجموعه به سمت تعادل (وضعیت مطلوب) است. این هدف زمانی محقق می‌شود که منابع انسانی، فیزیکی و طبیعی در دسترس به صورت کارآمد و در جهت رسیدن به این هدف تخصیص داده شوند. استفاده کارآمد از منابع طبیعی به معنای این است که هیچ‌گونه افراط و تفریطی در استفاده از آنان صورت نگیرد. رفتارهای بهره‌وران براساس عدل باشد و هیچ‌گونه انحصار و تکاثری در استفاده از آنان صورت نگیرد. مدیریت بر منابع که نوعی از سرمایه انسانی است، کارآمد بوده، و براساس اصل شایسته‌سالاری، مدیران توانا در جایگاه مناسب خود مورد استفاده قرار گیرند و افراد ناتوان و ناکارآمد بر پست‌های مدیریتی تکیه نزنند در این صورت، با توجه به وافی بودن منابع طبیعی و این که خداوند متعال تمام آنچه را برای رفاه بشر لازم بوده آفریده است، به یقین، توسعه محقق خواهد شد (Redclift, 1984).

عدالت به معنای عام آن به روشنی در تفسیری که از توسعه ارائه کردیم، خود را نشان می‌دهد. بدیهی است که توسعه در این معنا با مصرف‌گرایی و نیز رشد کمی در تولید ناخالص ملی ولو به قیمت ایجاد شکاف فراوان بین طبقات درآمدی و نیز از بین رفتن حقوق نسل‌های آتی سازگار نیست. توسعه‌یافتگی در این تفسیر، مقدمه‌ای برای رفاه عمومی است و رفاه مورد نظر مکاتب الهی نیز در برگیرنده ابعاد معنوی نیز خواهد بود و انسان در بستر توسعه، نه گرفتار دستاورد رشد خودساخته خود شده و دچار بحران معنویت و به دنبال آن بحران هویت و نه گرفتار زهد خشک و روح صوفیانه، بلکه با برخورداری از مواهب دنیا در کنار آینده روشن آخرتی، در مسیر عدالت، طی طریق می‌کند (Redclift, 1984).

۲- سلامت محیط زیست

گام دوم، فراهم ساختن محیط زیستی سالم و جلوگیری از تخریب آن است؛ زیرا حتی در صورتی که بتوانیم رشد اقتصادی را نیز محقق سازیم، بدون داشتن چنین محیطی، اسباب آسایش انسان فراهم نخواهد شد؛ بنابراین؛ یکی دیگر از ویژگی‌های توسعه پایدار، توجه اکید به مسائل زیست‌محیطی و رعایت شاخص‌های آن است. این ویژگی در ادبیات توسعه پایدار به اندازه‌ای اهمیت دارد که کنار عدالت بین نسلی در بسیاری از منابع، توسعه پایدار را نیز

تعریف کرده است. این مسأله در ادبیات دینی نیز فراوان به چشم می‌خورد. این آموزه‌ها در استفاده درست از منابع زیست محیطی تأکید دارند و از هرگونه تخریب محیط زیست به شدت منع می‌کنند. قرآن کریم با عنایت خاصی به عناصر زیست محیطی توجه کرده، و گاهی به آن‌ها سوگند خورده است. در این قسمت، به نمونه‌هایی از توجه قرآن به این مسأله اشاره می‌کنیم:

۱- خداوند کریم که خود مظهر جمال و زیبایی است، سراسر گیتی را به زیبایی می‌ستاید (سجده (۳۲)، ۷). و در خلقت انسان در جایگاه اشرف مخلوقات و زیباترین زیباها (تغابن (۶۴)، ۳) به خود تبریک می‌گوید (مؤمنون (۲۳)، ۱۴) (Sadr, 1999).

۲- خداوند متعالی هرچه در این عالم هستی وجود دارد، و از جمله پرندگان، حیوانات و کوه‌ها و دریاها و... را دارای شعور و تسبیح‌گوی می‌داند و ستارگان و درختان را نیز چهره‌سایان خود معرفی کرده، می‌فرماید: اما آدمیان از درک تسبیح آنان ناتوانند (رحمن (۵۵)، ۶؛ رعد (۱۳)، ۱۳؛ اسراء (۱۷)، ۱۴ و آیه اول از سوره‌های حدید، حشر، صف، جمعه و تغابن). این مطلب در روایات فراوانی نیز یادآوری شده است؛ از جمله در تفسیر المیزان در روایتی از امام صادق? آمده است: رسول خدا ص نهی کرد از این‌که چارپایان را داغ کنند، و این‌که مردم به‌صورت آن‌ها بزنند و فرمود: زیرا چارپایان هم خدا را به حمد تسبیح می‌گویند (Tabataba'i, 1984: 13, p. 166, verse 44).

۳- خداوند متعالی در قرآن کریم بارها به مظاهر طبیعت سوگند یاد کرده، و بدیهی است که متعلق سوگند اهمیت و اعتبار بالایی نزد خداوند دارد (شمس، ضحی و تین). براساس تبیینی که از عدالت در تکوین صورت گرفت، خلقت اولیه جهان، متناسب و بدون هیچ نقصی است و همه گونه‌های حیاتی (جانوران و گیاهان) در چرخه زیست متناسب و به میزان ضرورت آفریده شده است. هماهنگی در بهره‌برداری گونه‌های مختلف از طبیعت طوری است که آسیبی به تناسب آن وارد نمی‌کند؛ برای مثال، اگر جانوران برای ادامه حیات نیاز ضرور به اکسیژن دارند و گاز کرینیک دفع می‌کنند، همین گاز که برای جانوران و از جمله انسان خطرناک است، برای گونه‌های گیاهی مایه حیات است. وجود لایه ازن، به‌صورت محافظی برای کره زمین، هماهنگی بین جاذبه و گریز از مرکز و هزاران مسأله دیگر، برگ کوچکی از کتاب بزرگ آفرینش است که بر قدرت، حکمت، علم و عدل الهی، و به تبع همه آن‌ها به تناسب و توازن مجموعه هستی گواهی می‌دهند:

الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَانِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ (ملک (۶۷)، ۳). همان‌که هفت آسمان را طبقه طبقه بیافرید. در آفرینش آن خدای بخشایشگر هیچ‌گونه اختلاف و تفاوتی نمی‌بینی. باز بنگر، آیا خلل و نقصانی می‌بینی همچنین در حقوق اسلام، همه موجودات، گیاهان و عناصر چرخه زیست محیطی دارای حق هستند و انسان در برابر آن‌ها مسؤول است. نتیجه این تأکیدا و رهنمودهای حقوقی و اخلاقی، حفظ تنوع زیست محیطی و جلوگیری از ایجاد عدم تعادل در آن است (نتیجه عدالت تشریحی)؛ و بنابراین این ویژگی نیز براساس اصل تعادل قابل تحلیل است. تمام قواعد بازدارنده همانند حرمت اتلاف، اسراف و اصل نظارت دولت به‌منظور حفظ این تعادل است (Sadr, 1999).

۳- انعطاف‌پذیری

در مسیر پایداری، نارسایی‌ها و موانعی از جانب محیط و نیز استفاه‌کنندگان از آن پیش می‌آید. یکی از ویژگی‌های

توسعه پایدار، ظرفیت جامعه در واکنش به این گونه موانع طبیعی تحمیلی است و به تعبیری دیگر انعطاف‌پذیری یا قابلیت نظام برای ترمیم یا نگهداری سطح بهره‌وری در بی‌نظمی‌های کوتاه یا بلندمدت است. به صورت روشن، این ویژگی نیز همانند ویژگی پیشین در جهت استمرار تعادل موجود در عناصر طبیعت بوده و همان‌گونه که در توضیح آن گذشت، انعطاف‌پذیری قابلیت نظام زیست محیطی به منظور مقابله با عدم تعادل‌ها یا برگرداندن وضعیت به حالت تعادل است. تأمل در قواعد، احکام الزامی و آموزه‌های اخلاقی، حاکی از توجه خاص به این ویژگی است و اصولاً یکی از رموز جاودانگی شریعت خاتم انعطاف‌پذیری در برابر وضعیت فردی، زمانی و مکانی است؛ البته این مطلب ضمن اعتراف به ثبات شریعت در محورهای اساسی آن است. در ارتباط با موضوع مقاله، کافی است به ساختار مالکیت در اسلام توجه کنیم. مالکیت خصوصی، ضمن محترم‌شمردن، در مواردی که نقض پایداری را در پی داشته باشد؛ محدود شود. مالکیت دولتی منابع طبیعی، به انحصار دولتی نینجامیده، مانع از بهره‌برداری بخش خصوصی نمی‌شود. مباح بودن برخی از منابع نیز با نظارت دولت کنترل می‌شود. همچنین دو نهاد مهم امر به معروف و نهی از منکر درباره حفظ محیط زیست و نیز پایداری توسعه مؤثر خواهد بود و بار سنگین نظارت دولت را کاهش می‌دهد (Ghasemzadeh, 2010).

۴- ثبات

این ویژگی که در خود توسعه پایدار نهفته، به معنای استمرار داشتن ارمان توسعه در مدت‌زمان طولانی است؛ یعنی جامعه ظرفیت لازم را به منظور استفاده مداوم از فرایند سیستم‌های طبیعی یا تغییر آن، بدون دگرگونی‌های شدید داشته باشد (Moldan & Bilharz, 1381: 385). استمرار داشتن فرایند توسعه یا حفظ آن در وضعیت تعادل، نتیجه آموزه‌های فراوانی است که در شریعت مقدس به همین منظور مورد تأکید قرار گرفته است.

۵- عدالت

مفهوم عدالت که به صورت ویژگی پنجم توسعه پایدار مورد توجه قرار می‌گیرد، مفهوم خاص عدالت یا عدالت توزیعی است. در عین حال توجه داریم که این معنا نیز در جهت همان عدالت عام یعنی تناسب کل عالم خلقت و قرار گرفتن هر چیز در جایگاه مناسب آن است. در اهمیت عدالت اقتصادی همین بس که حضرت علی؟ فلسفه پذیرفتن خلافت پس از عثمان را به هم خوردن عدالت و منقسم شدن مردم به دو طبقه سیر سیر و گرسنه گرسنه ذکر می‌کند و می‌فرماید: *لَوْلَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بوجُودِ النَّاصِرِ وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يُقَارُوا عَلَى كِبَاطِهِ ظَالِمٍ وَ لَأَسْعَبَ مَظْلُومٍ لَأَلْتَقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِ بَهَا وَ لَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسٍ أَوْلَهَا* (Shahidi, 1997: p. 11, p. 3). اگر گردآمدن مردم نبود، و اگر نبود که با اعلام نصرت مردم، بر من اتمام حجت شد، و اگر نبود که خداوند از دانایان پیمان گرفته آن‌جا که مردم به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروهی پرخور که از بس خورده‌اند، «ترش» کرده‌اند و گروهی گرسنه و محروم. اگر این‌ها نبود، من افسار مرکب خلافت را روی شان‌اش می‌انداختم و رهایش می‌کردم و کاری به کارش نداشتم. افزون بر این، امامان ع بر این نکته تأکید ورزیده‌اند که اگر مسلمانان به اصل عدالت وفادار باشند و آن را در جامعه رعایت کنند، مشکل فقر و بیچارگی مردم از میان می‌رود و همه به آسایش و رفاه دست می‌یابند. امام باقر ع می‌فرماید: اگر میان مردم عدالت اجرا می‌شد، بی‌نیاز می‌شدند (Mohaddes Nuri, 1408 AH: p. 11, p. 123). روایتی دیگر، ضمن تأکید بر این مسأله، یادآوری می‌کند که عدالت از غسل شیرین‌تر است و فقط

کسی که عدالت را نیک می‌داند، آن را اجرا می‌کند (Koleiny, 1985AH: vol. 1, p. 541). این حدیث بدین حقیقت که اجرای عدالت فقط در سایه نظام امامت امکان‌پذیر است، اشاره می‌کند. نکته جالب توجه این است که معصومان؟ اجرای عدالت را سبب آثار معنوی فراوان نیز برشمرده‌اند. حضرت علی ع می‌فرماید: با اجرای عدالت، برکات خداوند دوچندان می‌شود (Mohaddes Noori, 1408 AH: p. 11, p. 320).

امام باقر ع نیز می‌فرماید: در اثر اجرای عدالت، آسمان روزی خود را فرو می‌فرستد و زمین برکت خود را آشکار می‌سازد (Koleiny, 1985AH: vol. 1, p. 541). آنچه در این مقال از بحث عدالت، بیشتر مورد توجه است، عدالت در برخورداری از منابع طبیعی است. دین مبین اسلام، به منظور تحقق عدالت، بیشتر منابع طبیعی را در مالکیت یا تحت نظارت دولت قرار داده است. در قرآن کریم، به صراحت فلسفه این کار را جلوگیری از تکاثر ثروت در اختیار طبقه‌ای خاص دانسته و مکافات سخت برای سرپیچی از این هدف، ترسیم کرده است: مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (حشر (۵۹)، ۷). آنچه خدا از دارایی ساکنان آن قریه‌ها عاید پیامبرش کرد، از آن خدا و از آن پیامبر او و متعلق به خویشاوندان نزدیک وی و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است تا میان توانگران شما دست به‌دست نگردد و آنچه را فرستاده او به شما داد، آن را بگیرید و از آنچه شما را باز داشت، باز ایستید و از خدا پروا بدارید که خدا سخت کیفر است. همچنین با تشریح نهادهای احیا و حیات، راه را برای استفاده همگان فراهم ساخته است ضمن این که نظارت دولت را جهت کنترل استفاده بخش خصوصی از منابع، برای تضمین تحقق عدالت در این حوزه ضرور دانسته است. در این تشریح، همچنان که به حقوق افراد نسل توجه، و بر برابری فرصت‌ها برای همه تأکید شده است - چنان که از آیه پیشین نیز به روشنی پیدا است - حقوق و مصالح نسل‌های آینده نیز مورد توجه قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی و پژوهشی

قوانین کیفری ایران توسعه پایدار شهری را یک ارزش مورد حمایت پنداشته و برای محافظت از آن به مداخله کیفری اقدام کرده‌اند. این مداخله از دو جهت مثبت ارزیابی نمی‌شود. اول آن-که این مداخله به صورت پراکنده و در قوانین مختلف به عمل آمده است. دوم آن-که ضمانت اجرای مقرر در این قوانین به جهت خفیف بودن، اثر بازدارنده نداشته و موجب تبعیت تابعان حقوق کیفری از آن‌ها نمی‌شوند. باین حال در حقوق کیفری ایران، توسعه پایدار شهری دارای ارزش قلمداد شده و قانون-گذار در قوانین مختلفی به بزه‌انگاری رفتارهای مخرب علیه درختان، بزه-انگاری پسماند محور، بزه‌انگاری آلودگی‌های زیست‌محیطی (هوا، آب، خاک و آلودگی صوتی) و تهدید علیه بهداشت عمومی مبادرت ورزیده است. نتایج این پژوهش آن است که نخست برخی از جرائم موجود در نظام کیفری ایران خاص توسعه پایدار شهری هستند مانند از بین بردن درختان موجود در فضای شهری؛ اما برخی دیگر قابلیت تحقق در فضای شهری را دارند و از این جهت خاص این محیط نیستند، همچون هوا یا پسماندها. به همین جهت درختان، پسماندها، تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی هوا، آب، خاک و صوت مورد بررسی قرار خواهند گرفت. دوم آن که حمایت کیفری از توسعه پایدار شهری در حقوق کیفری ایران به صورت یکپارچه و منسجم نبوده و در قوانین مختلفی به صورت نامتوازن صورت گرفته است. این عدم انسجام سبب بروز چالش‌های فراوانی از جمله

ناسخ و منسوخ بودن قوانین می‌شود. در حمایت کیفری قانون-گذار از توسعه پایدار شهری نقایص زیادی وجود دارد که از منظر جرم‌شناسی (همچون میزان اندک کیفرهای مقرر و ناتوانی آن‌ها در بازدارندگی کیفری) و حقوقی (همچون حمایت کیفری از درختان) چالش‌های بسیاری را بر جای می‌گذارد. بنابراین لازم است که مقنن علاوه بر اتخاذ سیاست کیفری افتراقی در حوزه حمایت کیفری از توسعه پایدار شهری، به رفع نقایص موجود در این عرصه اهتمام ورزد.

درختان به‌عنوان بخش مهمی از توسعه پایدار، مورد حمایت اسناد بین‌المللی از جمله فصل یازدهم دستور کار ۲۱ و بیانیه اصول حفاظت از جنگل‌ها مصوب ۱۹۹۲ قرار گرفته است. در حقوق کیفری ایران مهم‌ترین مقرر-ه‌ای که به حمایت کیفری از درختان موجود در فضای شهری پرداخته است، ماده ۶۸۶ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ است. این ماده مقرر می‌دارد: «هرکس درختان موضوع ماده یک قانون گسترش فضای سبز را عالملاً عامداً و برخلاف مقررات قانون مذکور قطع یا موجبات از بین رفتن آن‌ها را فراهم آورد علاوه بر جبران خسارت وارده حسب مورد به حبس تعزیری از شش ماه تا سه سال و یا جزای نقدی از سه میلیون تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد. قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۵۹ است، اما این قانون مطابق «قانون اصلاح لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها» در سال ۱۳۸۸ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد بازنگری قرار گرفت. مطابق ماده ۱ قانون اصلاح: «به‌منظور حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی‌رویه درختان، قطع هر نوع درخت یا نابود کردن آن به هر طریق در معابر، میدان‌ها، بزرگراه‌ها، پارک‌ها، بوستان‌ها، باغات و نیز محل‌هایی که به تشخیص شورای اسلامی شهر، باغ شناخته شوند در محدوده حریم شهرها بدون اجازه شهرداری و رعایت ضوابط مربوطه ممنوع است.

اما ماده ۴ این قانون مقرراتی شبیه ماده ۶۸۶ را به تصویب رسانده است که باید آن را ناسخ ماده ۶۸۶ دانست. به موجب این ماده: «هر کس درختان موضوع ماده (۱) قانون گسترش فضای سبز را عالملاً عامداً و برخلاف قانون مذکور قطع یا موجبات از بین رفتن آن‌ها را فراهم آورد، علاوه بر جبران خسارت وارده، حسب مورد به جزای نقدی از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال برای هر درخت و در صورتی که قطع درخت بیش از سی اصله باشد، به حبس تعزیری از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. در خصوص این ماده نکاتی قابل ذکر است که نمایانگر مثبت نبودن مداخله کیفری قانون-گذار برای حمایت کیفری از درختان در فضای شهری است. نخست آن‌که عملکرد قانون-گذار در تصویب این ماده نسبت به ماده ۶۸۶ قانون تعزیرات را می‌توان از یک سو مطلوب و از سوی دیگر نامطلوب دانست. اقدام مفید قانون‌گذار در ماده جدید را می‌توان پیش‌بینی جزای نقدی برای هر درخت به صورت مجزا دانست، درحالی‌که در ماده ۶۸۶ جزای نقدی برای رفتار فرد صرف‌نظر از تعداد درختان قطع شده پیش‌بینی شده بود؛ اما اقدام غیرمفید و نامطلوب قانون-گذار را می‌توان هم در تقلیل کیفر حبس از شش ماه تا سه سال به شش ماه تا یک سال و هم-چنین مشروط کردن اعمال این کیفر به قطع بیش از سی اصله درخت دانست. در واقع چنین مجوزی از سوی قانون-گذار به اشخاص اجازه می‌دهد که تا سی اصله درخت را قطع نمایند و در قبال این چنین رفتار آسیب‌زای مهمی که نتایج بسیاری بر جای می‌گذارد فقط کیفر نقدی بر شخص اعمال شود؛ و هم-چنین

بزه-کار با تجاوز قطع درختان به بیش از سی اصله درخت فقط با کیفر اندک شش ماه تا یک سال حبس مواجه است.

نکته دوم آن است که حقوق کیفری ایران به دو شکل از درختان واقع در فضای شهری حمایت کیفری به عمل آورده است. نخست حمایت از درختانی که جزء اموال شخصی اشخاص محسوب می-شوند مانند آنچه در مواد ۶۷۵ و ۶۸۴ قانون تعزیرات پیش‌بینی شده است. چنین حمایتی نه به جهت حفظ و حمایت از توسعه پایدار، بلکه به جهت حمایت از اموال شخصی است. به دیگر سخن، قصد قانون-گذار در این حالت حفاظت درختان از تعرض، همچون حمایت از دیگر اموال اشخاص است. دوم حمایت از درختان به جهت آن‌که جزء اموال ملی-اند و ثروت عمومی محسوب می-شوند مانند آنچه در ماده ۴ قانون اصلاح قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها تعیین شده است.

۵- جرم انگاری پسماند محور

جرم-انگاری رفتارهای مرتبط با پسماندها هرچند خاص توسعه پایدار شهری نیست و می-تواند خارج از این محیط نیز تحقق یابد، اما با توجه به این-که اکثر فعالیت-های انسان در این محیط رخ می-دهد و انواع پسماندها مانند پسماندهای عادی (همچون زباله-ها) و پسماندهای بیمارستانی در فضای شهری رخ می-دهد از این نظر این پسماندها نیز در قالب حمایت کیفری از توسعه پایدار شهری بیان شده است. پسماندها به خصوص زباله‌های خطرناک مورد توجه اسناد بین-المللی همچون فصول (مدیریت مواد شیمیایی سمی)، ۲۰ (زباله‌های خطرناک)، ۲۱ (زباله‌های جامد و فاضلاب)، ۲۲ (زباله-های اتمی) دستور کار ۲۱، کنوانسیون جلوگیری از آلودگی دریایی ناشی از دفع مواد زائد و دیگر مواد مصوب ۱۹۷۲ و کنوانسیون بازل درباره کنترل انتقالات برون-مرزی مواد زائد زیان‌بخش و دفع آن-ها ۱۹۸۹ قرار گرفته است. مطابق بند «ب» ماده ۲ قانون مدیریت پسماند مصوب ۱۳۸۳: «پسماند به مواد جامد، مایع و گاز (غیر از فاضلاب) گفته می-شود که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم حاصل از فعالیت انسان بوده و از نظر تولیدکننده زائد تلقی می-شود». پسماندها مطابق ادامه همین بند به پنج گروه عادی، پزشکی (بیمارستانی)، ویژه کشاورزی و صنعتی تقسیم می-شوند. مطابق ماده ۷ این قانون، مدیریت اجرایی پسماندها باهم متفاوت است. بر اساس این ماده، مدیریت اجرایی پسماندهای عادی، پزشکی و کشاورزی در شهرها و روستاها و حریم آن‌ها به عهده شهرداری-ها و دهیاری-ها و در خارج از حوزه وظایف شهرداری-ها و دهیاری-ها، به عهده بخش‌داری‌ها است؛ اما مدیریت اجرایی پسماندهای صنعتی و ویژه به عهده تولیدکننده خواهد بود.

جرائمی که در این قانون پیش‌بینی شده است را می‌توان در سه دسته بررسی کرد. دسته اول که شامل نگهداری، مخلوط کردن، جمع-آوری، حمل و نقل، خرید و فروش، دفع، صدور و تخلیه پسماند در غیر موارد مقرر قانونی مطابق ماده ۱۶ قانون مزبور جرم تلقی شده و برای آن کیفر در نظر گرفته شده است. این ماده از لحاظ نوع کیفر، جزای نقدی را برگزیده و از لحاظ میزان کیفر، بزه‌های مرتبط با پسماندهای عادی را دارای سرزنش کمتری دانسته و کیفر نقدی کمتری را برای آن در رویارویی با سایر پسماندها در نظر گرفته است؛ اما دو نکته در خصوص رفتار فیزیکی بزه مزبور لازم به ذکر است. اول آن-که رفتارهای فیزیکی مقرر در ماده جنبه حصری داشته و نه تمثیلی؛ بنابراین رفتار فیزیکی لازم برای تحقق بزه مزبور باید یکی از رفتارهای «نگهداری، مخلوط کردن، جمع‌آوری، حمل و نقل، خرید و فروش، صدور و تخلیه» در غیر موارد مقرر قانونی باشد. دوم آن-که از ظاهر ماده برمی‌آید که این بزه با

ارتکاب فعل مثبت و انجام کار تحقق می-یابد، نه ترک فعل. دسته دوم شامل ممنوعیتی است که در ماده ۱۳ این قانون مقرر شده است. مطابق ماده ۱۳: «مخلوط کردن پسماندهای پزشکی با سایر پسماندها و تخلیه و پخش آن-ها در محیط و یا فروش، استفاده و بازیافت این نوع پسماندها ممنوع است». ضمانت اجرای عدم رعایت این ممنوعیت در قسمت اخیر ماده ۱۶ بیان گردیده که کیفر نقدی از دو میلیون (۲۰۰۰۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال و در صورت تکرار، دو برابر حداکثر کیفر پیش-بینی گردیده است. قانون-گذار در این مورد تأکید ویژه‌ای بر پسماندهای پزشکی داشته و با توجه به خطرناکی آن‌ها، حکم خویش را به صورت واضح بیان کرده است.

دسته سوم نیز الزامی است که برای انتقال پسماندهای ویژه پیش‌بینی شده است. مطابق ماده ۱۴: «نقل و انتقال برون‌مرزی پسماندهای ویژه تابع مقررات کنوانسیون بازل و نظارت مرجع ملی کنوانسیون خواهد بود. نقل و انتقال درون‌مرزی پسماندهای ویژه تابع آیین-نامه اجرایی مصوب هیئت‌وزیران خواهد بود». ضمانت اجرای رعایت این الزام در ماده ۱۷ مقرر گشته است. مطابق ماده ۱۷: «متخلفین از حکم ماده ۱۴ این قانون موظف‌اند پسماندهای مشمول کنوانسیون بازل را به کشور مبدأ اعاده و یا در صورت امکان معدوم کردن در داخل تحت نظارت و طبق نظر سازمان (مرجع ملی کنوانسیون مذکور در ایران) با هزینه خود به نحو مناسب دفع نمایند. در غیر این صورت به مجازات مقرر در ماده ۱۶ محکوم خواهند شد. در کنوانسیون بازل مقررات مختلفی برای نقل و انتقال پسماندهای ویژه مورد پیش-بینی قرار گرفته است که عدم رعایت آن-ها موجب نقض کنوانسیون از سوی اعضاء می‌شود. مهم‌ترین مقررات موضوع این کنوانسیون برای نقل و انتقال برون-مرزی پسماندهای ویژه، در مواد ۶ تا ۹ این کنوانسیون مصرح گشته‌اند. از جمله این-که: کشور صدور باید کتباً و از طریق مرجع صالح کشور صدور، مرجع صالح کشورهای ذی-نفع را از هرگونه انتقال برون-مرزی زباله-های مضر یا سایر انواع زباله که در نظر دارد انجام دهد مطلع سازد، یا از ایجادکننده یا صادرکننده زباله-ها بخواهد که چنین اقدامی را به عمل آورد. در مقابل نیز کشور ورود وظیفه دارد که کتباً به کشور اطلاع-دهنده پاسخ دهد و موافقت خود را تحت شرایطی و یا بدون قید و شرط اعلام دارد و یا این-که از اجازه انتقال امتناع ورزد یا اطلاعات بیشتری را درخواست نماید.

بدین سان تا زمانی که کشور صدور، تأیید کتبی مبنی بر موافقت کشور ورود و تأییدیه وجود قرارداد بین صادرکننده و دفع‌کننده که طی آن اداره صحیح زیست‌محیطی زباله-های موردنظر تصریح گردیده است را دریافت ننماید، حق اجازه شروع انتقال برون-مرزی زباله-ها را ندارد. بنابراین کنوانسیون الزاماتی را بیان کرده که در صورت رعایت نکردن آن-ها نقل و انتقال غیرقانونی خواهد بود. از جمله غیرقانونی بودن نقل و انتقال می-توان به: انتقال بدون اطلاع به کشورهای ذی‌ربط؛ انتقال بدون موافقت کشورهای ذی-ربط؛ انتقال با موافقت کشورهای ذی-ربط از طریق جعل، قلب واقعیت یا تقلب؛ مغایر بودن نحوه انتقال با مدارک مربوط؛ اشاره کرد. نوع تخلفات و جرائم پیش‌بینی شده در این قانون شبیه نظام حقوقی فرانسه است با این تفاوت که در فرانسه برای تخلفات ناشی از پسماند کیفر «حبس» در کنار جزای نقدی (ماده ۴۶ - ۵۴۱) پیش‌بینی شده است.

۶- جرم-انگاری تهدید علیه بهداشت عمومی

تهدید علیه بهداشت عمومی رفتار دیگری است که قانون-گذار برای حمایت کیفری از توسعه پایدار شهری (البته نه به‌طور اختصاصی)، آن را جرم-انگاری کرده است. ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ در این زمینه مقرر

می‌دارد: «هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زائد...، ریختن... زباله در خیابان‌ها و ... ممنوع است و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد. عمل مرتکب در این ماده تهدید علیه بهداشت عمومی است؛ بنابراین از این منظر تفاوتی میان رفتارهای مختلف وجود ندارد و قانون-گذار با استفاده از عبارت «هر اقدامی» و بهره-گیری از رفتارهای تمثیلی گستره ماده را افزایش داده و منحصر به موارد خاصی نکرده است. موضوع این جرم یعنی آن چیزی که جرم علیه آن واقع می-شود عبارت است از بهداشت عمومی. بهداشت عمومی که همان بهداشت محیط است مطابق ماده ۱ آیین-نامه بهداشت محیط مصوب ۱۳۷۱ هیئت‌وزیران، عبارت است از «کنترل عواملی از محیط زندگی به گونه‌ای که روی سلامت جسمی، روانی و اجتماعی انسان تأثیر می-گذارند. نکته‌ای که در خصوص این جرم قابل ذکر است آن است که صرف این‌که رفتارهای مصرح در ماده رخ بدهند جرم مزبور قابل تحقق نخواهد بود بلکه باید این رفتارها تهدیدی علیه بهداشت عمومی شناخته شوند. از این حیث می-توان به رویکرد قانون-گذار انتقاد وارد کرد، چراکه از منظر قربانی-شناسی جرائم زیست‌محیطی، توسعه پایدار فارغ از تأثیر آن نسبت به انسان-ها دارای ارزش ذاتی است و این‌که برای هر یک از اجزای آن باید هویت و شخصیتی قائل بود؛ بنابراین صرف آلوده کردن هوا یا آب یا خاک رفتاری مجرمانه خواهد بود، نه آن-که حمایت از توسعه پایدار را زمانی قابل اجرا بدانیم که به منفعت انسان خدشه-ای وارد شود. این امر از جهت حقوقی نیز قابل انتقاد است؛ چراکه جرائم زیست‌محیطی معمولاً اثراتی بلندمدت دارند، حال آنکه به نظر می‌رسد ارزیابی تهدید بودن رفتار علیه بهداشت عمومی با نگاهی پیامدگرای مقطعی صورت گیرد که این امر سبب می‌گردد چنانچه رفتاری در کوتاه‌مدت تهدیدی علیه بهداشت عمومی نباشد ولی اثرات آن در بلندمدت نمایان گردد از گستره جرم-انگاری قانون-گذار خارج گردند. باین‌حال در وضع فعلی تحقق آلودگی توسعه پایدار متوقف بر ایجاد تغییر در اجزای توسعه پایدار است (Ghasemi, 2005). نکته دیگر در خصوص مرجع تشخیص مورد تهدید قرار گرفتن بهداشت عمومی است. قانون‌گذار در تبصره ۱ این ماده علاوه بر تعیین مرجعی خاص برای تشخیص تهدید علیه بهداشت عمومی، از مراجعی برای تشخیص آلودگی توسعه پایدار و نیز غیرمجاز بودن کشتار دام و دفع فضولات دامی نیز سخن به میان آورده است. مطابق این تبصره، مرجع تشخیص اقدام علیه بهداشت عمومی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ مرجع تشخیص آلودگی توسعه پایدار، سازمان توسعه پایدار و مرجع تشخیص غیرمجاز بودن کشتار دام و دفع فضولات انسانی، سازمان دامپزشکی خواهد بود.

چالش دیگری که در پس این جرم به وجود می‌آید در دسترس نداشتن معیاری برای تشخیص تهدیدکننده بودن رفتار علیه بهداشت عمومی است. توضیح آن-که برای مثال وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بر چه اساس و معیاری تشخیص خواهد داد که زباله ریخته شده در خیابان تهدید علیه بهداشت عمومی است. این نوع از قانون‌گذاری راه را برای تفسیرهای ناروا باز می‌گذارد چراکه ممکن است ارزیابان این وزارت ریختن یک کیسه زباله در خیابان را نیز به‌عنوان اقدامی علیه بهداشت عمومی تلقی کنند حال آنکه قطعاً عرف چنین تلقی را از این رفتار نخواهد داشت. بدین‌سان لازم است که مقنن از به کار بردن چنین واژه‌های مبهمی پرهیز کند. در وضع کنونی نیز باید با به کار بردن قواعد تفسیر از جمله قاعده عدم دخالت مقنن کیفری جز در موارد کاملاً ضروری، تفسیر قانون

کیفری در پرتو قانون اساسی، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، تفسیر مضیق قوانین کیفری و تفسیر به نفع متهم از تفاسیر ناروا و ناقانونی در این زمینه جلوگیری کرد. آخرین نکته در خصوص تمایز میان تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی توسعه پایدار است. توضیح آن-که بسیاری از متون مصادیق تهدید علیه بهداشت عمومی در ماده مذکور را با جرم آلودگی یکی دانسته‌اند. لذا به نظر می‌رسد این موضوع مقرون به صحت نباشد؛ چراکه تعاریف بهداشت و آلودگی توسعه پایدار متفاوت از یکدیگر است. به نحوی که در ماده (۱) آیین‌نامه بهداشت محیط، بهداشت عبارت است از: کنترل عواملی از محیط زندگی که به‌گونه‌ای روی سلامت جسمی، روانی و اجتماعی انسان تأثیر می‌گذارند. حال آن که تعریف آلودگی مستند به ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی توسعه پایدار و با تغییرات بسیار جزئی در تبصره ۲ ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی، عبارت است از: پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب، هوا، خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد. حال اگر ایجاد آلودگی منجر به صدمات به بشر نگردد، نمی‌تواند از مصادیق تهدید علیه بهداشت عمومی باشد. برای رفع این تعارض می‌توان سه نظر را مطرح کرد. نخست آن‌که این دو را تعدد معنوی فرض کنیم و کیفر اشد را برای مرتکب در نظر بگیریم؛ اما به نظر می‌رسد که این فرض چندان با واقعیات علم حقوق سازگار نباشد چراکه مصادیق آلودگی توسعه پایدار در قالب جرم تهدید علیه بهداشت عمومی در نظر گرفته شده‌اند و نه عنوان مجرمانه مستقلی. بر اساس نظریه دوم باید فقط صحبت از جرم تهدید علیه بهداشت عمومی نمود، چراکه قانون‌گذار زمانی یک جرم را رفتار فیزیکی جرم دیگر در نظر می‌گیرد قصدش جرم مهم‌تر بوده است. سرانجام بر اساس نظر سوم که نظری منطقی‌تر است، باید تبصره ۲ ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را که مقرر می‌دارد: «در صورتی که مجموع جرائم ارتكابی در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، مقررات تعدد جرم اعمال نمی‌شود و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شود» مستمسک قرارداد و معتقد بود که قانون‌گذار مجموع جرائم ارتكابی را یک جرم تهدید علیه بهداشت عمومی در نظر گرفته است.

۷- جرم انگاری آلودگی هوا

از جمله مهم‌ترین اسناد بین‌المللی که به حمایت و حفاظت از هوا و جو پرداخته‌اند می‌توان به کنوانسیون وین برای حفاظت از لایه ازن مصوب ۱۹۸۵، کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد تغییرات آب‌وهوا (تغییرات اقلیمی) مصوب ۱۹۹۲ و پروتکل کیوتو در مورد کنوانسیون تغییرات اقلیم مصوب ۱۹۹۸ اشاره کرد. ماده ۲ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ پس از ممنوع ساختن هر عملی که موجب آلودگی هوا می‌شود مقرر می‌دارد: «... آلودگی هوا عبارت است از وجود و پخش یک یا چند آلوده‌کننده اعم از جامد، مایع، گاز، تشعشع پرتوزا و غیر پرتوزا در هوای آزاد به مقدار و مدتی که کیفیت آن را به طوری که زیان‌آور برای انسان و یا سایر موجودات زنده و یا گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد تغییر دهد. منشأ آلودگی هوا می‌تواند منابع مختلفی مانند استفاده از سوخت‌های فسیلی، وسایل نقلیه، فعالیت‌های صنعتی، به آتش کشیدن زباله‌ها و فضولات باشد. اما در این قسمت با توجه به این‌که قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ منابع آلوده‌کننده هوا را مطابق ماده ۳، به سه دسته وسایل

نقلیه موتوری؛ کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و نیروگاه‌ها؛ و منابع تجاری و خانگی و منابع متفرقه تقسیم کرده است، بر مبنای همین تقسیم‌بندی مسئولیت کیفری مرتکبان آن مشخص خواهد شد.

۷- وسایل نقلیه موتوری

استفاده از وسایل نقلیه موتوری در مجموع می‌تواند از دو جهت مسئولیت کیفری به دنبال داشته باشد. اول از جهت تردد با وسایل نقلیه آلوده‌کننده غیرمجاز و دوم نقض ممنوعیت‌های آلودگی هوا که در این قسمت بررسی خواهند شد.

۸- تردد با وسایل نقلیه موتوری آلوده‌کننده

این رفتار در ماده ۲۸ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ بدین نحو که: «افرادی که با وسایل نقلیه موتوری آلوده‌کننده غیرمجاز تردد می‌نمایند...» بزه-انگاری شده است. رفتار مجرمانه این ماده «تردد» است که حتماً لازم است با وسایلی صورت گیرد که هم موتوری بوده و هم آلودگی غیرمجاز. تولید نمایند. بدیهی است تردد به معنای عبور و مرور در فضای شهری است و چنانچه وسیله نقلیه موتوری بدون تردد روشن گردد و آلودگی تولید نماید با تمسک به این ماده نمی‌توان مرتکب آن را به کیفر رساند. نکته دیگر آن-که مالک وسیله بودن یا نبودن تأثیری در مسئولیت کیفری فرد نداشته و همین‌که وی اقدام به تردد با وسایل نقلیه موتوری آلوده‌کننده نماید، بزه مزبور تحقق یافته است. نکته آخر در خصوص مسئولیت کیفری فرد آن است که آیا اگر راننده از دودزا بودن وسیله مطلع نباشد و با چنین وسیله-ای تردد نماید آیا باید کیفر مقرر در این ماده را بر وی بار نمود یا خیر؟ در پاسخ باید بیان داشت که این بزه را باید از زمره بزه-های با سوءنیت دانست که بدون وجود عمد و علم قابل تحقق نیست؛ بنابراین پاسخ سؤال مزبور منفی است و زمانی کیفر بر مرتکب بار خواهد شد که وی از دودزا بودن وسیله اطلاع داشته و با قصد با آن تردد نماید.

در ماده مزبور برای این رفتار مجرمانه، کیفر بسیار ناچیزی پیش‌بینی شده که بدیهی است نمی‌تواند هدف بازدارندگی کیفر را به خوبی نشان دهد. در این ماده پنج هزار ریال تا یک‌صد هزار ریال بنا بر تعداد سیلندر حجم موتور میزان آلودگی و دفعات تکرار جرم به‌عنوان کیفر معین شده است؛ اما در این ماده اقدام تأمینی پیش‌بینی شده است که به‌وضوح سودمندی آن نسبت به کیفر تعیین‌شده نمایان است. ادامه ماده مقرر می‌دارد که «... ضمناً از تردد وسایل نقلیه آلوده‌کننده مذکور تا رفع موجبات آلودگی جلوگیری به عمل خواهد آمد.

۹- نقض ممنوعیت‌های آلودگی هوا

قسمت دوم ماده ۲۸ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مقرر می‌دارد: «... همچنین کسانی که محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های موضوع ماده ۷ این قانون را رعایت ننمایند...». ماده ۷ این قانون در زمینه‌ی بیان محدودیت‌ها بیان می‌دارد: «در مواقع اضطراری که به علت کیفیت خاص جوی، آلودگی هوای شهرها به حدی برسد که به تشخیص وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی سلامت انسان و توسعه پایدار را شدیداً به مخاطره بیندازد، سازمان حفاظت توسعه پایدار با همکاری وزارت کشور (شهرداری‌ها و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران) ممنوعیت‌ها یا محدودیت‌های زمانی، مکانی و نوعی را برای منابع آلوده‌کننده برقرار نموده و بلافاصله مراتب را از طریق

رسانه‌های همگانی به اطلاع عموم خواهند رسانید. با برطرف شدن وضعیت اضطراری و کاهش آلودگی هوا، سازمان نسبت به رفع ممنوعیت و محدودیت برقرار شده اقدام و مراتب را به نحو مقتضی به اطلاع عموم خواهد رسانید. در خصوص این جرم دو نکته وجود دارد که باید بیان شوند. اول آن‌که رفتار مرتکب در نقض ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها به صرف برقراری این ممنوعیت‌ها نیست و باید مطابق ماده حتماً برقراری آن‌ها از طریق رسانه‌های جمعی به اطلاع عموم برسد؛ بنابراین اگر این ممنوعیت‌ها برقرار شوند ولی به اطلاع عموم نرسند، صرف نقض آن‌ها جرم نخواهد بود، چراکه از لحاظ اصولی قاعده «قیح عقاب بلا بیان» حاکم خواهد بود و تا زمانی که ممنوعیت به اطلاع عموم نرسد، به کیفررسانی ناقضان آن عقابی است که قبلاً بیان نشده و مخاطبان قانون از آن بی‌خبر بوده‌اند. دوم آن‌که به نظر می‌رسد با رفع شرایط اضطراری و رفع ممنوعیت‌ها از طرف سازمان، دیگر نتوان رفتار ناقضان آن را جرم دانست هرچند که رفع آن‌ها به اطلاع عموم نرسیده باشد.

۱۰- عدم رعایت ضوابط، رفع آلودگی یا توقف فعالیت‌های موجب آلودگی هوا از سوی کارخانه‌ها و کارگاه‌ها ماده ۲۹ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مقرر می‌دارد: «صاحبان و مسئولین کارخانه‌ها و کارگاه‌های آلوده‌کننده که برخلاف مواد ۱۴، ۱۶ و ۱۷ این قانون عمل نمایند برای بار اول به جزای نقدی از پانصد هزار ریال تا یک میلیون ریال و در صورت تکرار به حبس تعزیری از دو ماه تا شش ماه و جزای نقدی از هفتصد هزار ریال تا دو میلیون ریال محکوم می‌شوند. ماده ۱۴ قانون مزبور بیان می‌دارد: «فعالیت کارخانه‌ها و کارگاه‌های جدیدی که ضوابط و معیارهای ماده ۱۲ را رعایت نمایند و همچنین فعالیت و بهره‌برداری از کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و نیروگاه‌هایی که بیش از حد مجاز موجبات آلودگی هوا را فراهم آورند، ممنوع است. چنانچه کارخانه‌ها یا کارگاه‌هایی سبب آلودگی هوا شوند، سازمان توسعه پایدار به آن‌ها اخطار داده و مهلتی را تعیین می‌نماید تا نسبت به رفع آلودگی یا تعطیل کار و فعالیت خود تا رفع آلودگی اقدام نمایند. ضمانت اجرای عدم رعایت این مقرر در ماده ۲۹ که خود نیز آن را به ماده ۱۶ احاله داده مقرر گشته است. مطابق ماده ۱۶: «در صورتی که صاحبان و مسئولان کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و نیروگاه‌های آلوده‌کننده ظرف مهلت تعیین شده مبادرت به رفع آلودگی یا ممانعت از کار و فعالیت کارخانه و کارگاه مربوطه نمایند، در پایان مهلت مقرر به درخواست سازمان توسعه پایدار و دستور مرجع قضایی ذی‌ربط محل که بلافاصله توسط مأمورین نیروی انتظامی به مورد اجرا گذاشته می‌شود از کار و فعالیت کارخانه‌ها و کارگاه‌های آلوده‌کننده جلوگیری به عمل خواهد آمد.

مطابق تبصره این ماده: «در صورتی که صاحبان و مسئولان کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و نیروگاه‌های آلوده‌کننده پس از ابلاغ سازمان حفاظت توسعه پایدار از فعالیت و ادامه کار کارخانه‌ها و کارگاه‌های مربوط ممانعت به عمل نیاورده و یا پس از تعطیل کارخانه‌ها و کارگاه‌های مذکور رأساً و بدون کسب اجازه از سازمان یا بدون صدور رأی دادگاه صالحه، مبادرت به بازگشایی و ادامه فعالیت آن‌ها بنمایند برحسب مورد به مجازات مقرر در این قانون و سایر مقررات مربوطه به عدم رعایت دستورات مراجع قانونی و قضایی محکوم خواهند شد. ماده ۱۷ این قانون نیز به اعمال ممنوعیت‌ها و نقض آن‌ها اختصاص یافته است. مطابق این ماده: «در مواقع اضطراری و یا شرایط جوی نامناسب، رئیس سازمان حفاظت توسعه پایدار می‌تواند کارخانه‌ها و کارگاه‌هایی را که فعالیت آن‌ها خطرات فوری

در برداشته باشد با اخطار سریع خواستار توقف فعالیت آن‌ها گردد و در صورت استنکاف به حکم رئیس دادگاه محل تا رفع موجبات خطر تعطیل نماید.

۱۱- ممانعت از انجام بازرسی و عدم همکاری با مأموران سازمان حفاظت توسعه پایدار این بزه در ماده ۳۰ قانون مزبور مقرر گشته است. مطابق این ماده: «کسانی که از انجام بازرسی مأموران سازمان حفاظت توسعه پایدار برای نمونه‌برداری و تعیین میزان آلودگی ناشی از فعالیت کارخانه‌ها و کارگاه‌های منابع تجاری بهداشتی و خدمات و اماکن عمومی ممانعت به عمل آورده و یا اسناد و مدارک و اطلاعات موردنیاز سازمان را در اختیار ایشان نگذارند و یا اسناد و مدارک و اطلاعات خلاف واقع ارائه نمایند برحسب مورد و اهمیت موضوع به جزای نقدی از پانصد هزار ریال تا پنج میلیون ریال و در صورت تکرار به حبس تعزیری از یک ماه تا سه ماه و جزای نقدی مذکور محکوم خواهند شد. مطابق ماده ۳۱: «صاحبان و مسئولان منابع تجاری و اماکن عمومی که برخلاف ماده ۲۴ این قانون موجبات آلودگی هوا را فراهم نمایند پس از هر بار اخطار و پایان مهلت مقرر به جزای نقدی از یکصد هزار ریال تا پانصد هزار ریال و در صورت تکرار از سیصد هزار ریال تا دو میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند.

مطابق ماده ۳۲: «مسئولین آلودگی حاصل از منابع متفرقه و منابع خانگی... به جزای نقدی از سی هزار ریال تا سیصد هزار ریال و در صورت تکرار از یکصد هزار ریال تا یک میلیون ریال محکوم خواهند شد.

۱۲- جرم‌انگاری آلودگی آب

هر چند بحث حمایت از آب- و پیشگیری از آلودگی آن در قوانین داخلی همچون قانون اجازه تأسیس بنگاه آبیاری مصوب ۱۳۲۲، قانون تأسیس وزارت آب و برق مصوب ۱۳۴۲، قانون حفظ و حراست منابع آبی زیرزمینی کشور مصوب ۱۳۴۵، قانون حفاظت از دریاها و رودخانه‌های قابل کشتی‌رانی در مقابل آلودگی به مواد نفتی مصوب ۱۳۸۹ و اسناد فرا ملی همچون کنوانسیون جلوگیری از آلودگی دریا ناشی از کشتی‌ها مصوب ۱۹۷۳، کنوانسیون آمادگی، مقابله و همکاری در برابر آلودگی نفتی مصوب ۱۹۹۰ که ایران نیز عضو آن‌ها است، مطرح شده (خالقی و رشنوادی، ۱۳۹۲)، اما همه این قوانین آلودگی آب را تعریف نکرده‌اند. آلودگی آب دارای منشأ متعددی است. ممکن است از طریق پساب‌های تصفیه‌ای از مواد زائد یا دارای تصفیه نامناسب، ورود آب‌های سطحی و از آنجا به رودخانه‌ها و دریاچه‌ها داخل شود یا این-که از طریق مواد مصرفی زیان‌آور در کشاورزی (مثل کودها و آفت-کش‌ها) و هم‌چنین به‌وسیله مواد شیمیایی سمی خطرناک یا از مواد زائد در محل‌های دفع زباله یا تأسیسات صنعتی امکان آلودگی آب فراهم می‌گردد.

با این حال در نظام حقوقی ایران مقرراتی قابل‌مشاهده هستند که به‌صراحت به تعریف آلودگی آب پرداخته‌اند. اولین مقرر را می‌توان ماده ۵۶ قانون آب و نحوه ملی شدن آن مصوب ۱۳۴۷ دانست که آلودگی آب را «آمیختن مواد خارجی به آب به میزانی که کیفیت فیزیکی یا شیمیایی یا بیولوژیکی آن را به‌طوری‌که مضر به حال انسان و چهارپایان و آبزیان و گیاهان باشد، تغییر دهد» دانسته است. بند ۲ ماده ۱۰ آیین‌نامه جلوگیری از آلودگی آب مصوب ۱۳۷۳ دومین مقرر است که در تعریف آلودگی آب بیان می‌دارد: «تغییر مواد محلول یا معلق یا تغییر درجه حرارت و دیگر خواص فیزیکی و شیمیایی و بیولوژیکی آب در حدی که آن را برای مصرفی که برای آن مقرر است، مضر یا

غیرمفید سازد؛ بنابراین آلودگی آب در اثر ورود مواد یا عوامل فیزیکی و شیمیایی به آن به میزانی که باعث تغییر حالت طبیعی آن گردد، تحقق می‌یابد.

در خصوص حمایت کیفری از آب باید بیان داشت که از یک سو هرچند این قوانین به حمایت از منابع آب توجه داشته و حمایت‌های حقوقی از آن به عمل آورده و آلودگی آن را ممنوع اعلام کرده‌اند. اما حمایت آن‌ها همراه با سرزنش کیفری نبوده است و از سوی دیگر اگر در برخی قوانین همچون قانون حفاظت از دریاها و رودخانه‌های قابل کشتی‌رانی در مقابل آلودگی به مواد نفتی مصوب ۱۳۸۹ حمایت کیفری صورت گرفته، به جهت آن‌که قلمرو آن‌ها به توسعه پایدار شهری مربوط نمی‌شود باید آن‌ها را در خصوص منابع شرب شهری غیرقابل اجرا دانست. باین وجود مقرراتی در حقوق کیفری ایران وجود دارند که بر اساس آن‌ها می‌توان نظاره‌گر حمایت کیفری قانون‌گذار از آب در توسعه پایدار شهری بود. نخست آن‌که اگر شخصی به‌عمد باعث آلودگی آب شود، به مجازات مقرر در بند ۵ ماده ۶۰ قانون آب و نحوه ملی شدن آن مصوب ۱۳۴۷ محکوم خواهد شد (Taqizadeh Ansari, 1995: 73). بر طبق این ماده، مجازات چنین شخصی جریمه از دو هزار تا پنج هزار ریال و یا حبس تأدیبی از دو ماه تا شش ماه یا هر دو مجازات است. دوم ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ است که «آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده یا ریختن مواد مسموم‌کننده در رودخانه» را جرم تلقی کرده و کیفر حبس تا یک سال را برای آن پیش‌بینی کرده است.

اما در این خصوص همان طور که پیش‌تر نیز گفته شد چالش شناخت آلودگی توسعه پایدار (آلودگی آب) و تهدید علیه بهداشت عمومی وجود دارد. باین‌حال باید معتقد بود که برای آلوده کردن آب شهری فقط ماده ۶۸۸ مجری است چراکه از یک سو آلودگی آب رفتاری است که در پس آن تهدید علیه بهداشت عمومی وجود دارد و از سوی دیگر کیفر قانون نخست حبس از دو تا شش ماه است و بنابراین مشمول قسمت اخیر ماده ۶۸۸ که مقرر می‌دارد: «چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد» نخواهد شد.

۱۳- جرم‌انگاری آلودگی خاک

در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی اسنادی در راستای حمایت از خاک به‌عنوان بخش قابل توجهی از توسعه پایدار به تصویب رسیده‌اند که می‌توان مهم‌ترین آن‌ها را منشور اروپایی خاک مصوب ۱۹۷۲، کنوانسیون سازمان ملل متحد برای بیابان‌زدایی در کشورهای که به‌طور جدی با خشک‌سالی و یا بیابان‌زایی مواجه می‌باشند، به‌ویژه در آفریقا مصوب ۱۹۹۴، پروتکل خاک آلپ مصوب ۱۹۹۸ و کنوانسیون آفریقایی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی مصوب ۲۰۰۳ برشمرد. سیاست تقنینی کیفری ایران در حوزه خاک مانند دیگر حوزه‌های زیست‌محیطی فعال نبوده است. در این خصوص دو مقرره وجود دارند. نخست تبصره ۲ ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ است که آلودگی خاک را «پخش یا آمیختن مواد خارجی... به خاک... به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به‌طوری‌که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد» می‌داند. بدین‌سان آلودگی خاک را می‌توان از رهگذر کیفر مقرر شده برای تهدید علیه بهداشت عمومی که در ماده ۶۸۸ پیش‌بینی شده است مشمول حمایت کیفری قرار داد، زیرا ماده ۶۸۸ ماده‌ای تمثیل محور بوده و مصادیق خود را به‌صورت تمثیلی و

نه حصری بیان کرده است. علاوه بر این قانون حفاظت و بهسازی توسعه پایدار مصوب ۱۳۵۳ نیز ضمانت اجرای کیفری برای مرتکبان آلودگی خاک در نظر گرفته است. بر اساس ماده ۱۱ قانون مزبور سازمان توسعه پایدار در مورد کارخانه‌ها و کارگاه‌هایی که موجبات آلودگی خاک را فراهم می‌آورند می‌تواند دو اقدام «دادن اخطار» و یا «دادن دستور» را انجام دهد. اخطار زمانی است که سازمان توسعه پایدار تشخیص دهد کارخانه یا کارگاهی اقدام به آلودگی توسعه پایدار می‌کند که از این جهت مراتب را کتباً با ذکر دلایل برحسب مورد به صاحبان یا مسئولان آنها اخطار می‌نماید که ظرف مدت معینی نسبت به رفع موجبات آلودگی مبادرت یا از کار و فعالیت خودداری کنند؛ اما در صورتی که در مهلت مقرر اقدام ننمایند به دستور سازمان از کار و فعالیت آنها ممانعت به عمل خواهد آمد. ضمانت اجرای نقض این تکلیف در ماده ۱۲ بدین نحو مقرر گشته است. «صاحبان یا مسئولان کارخانه‌ها و کارگاه‌های موضوع ماده ۱۱ مکلف‌اند به محض ابلاغ دستور سازمان، کار یا فعالیت ممنوع شده را متوقف و تعطیل نمایند. ادامه کار یا فعالیت مزبور منوط به اجازه سازمان یا رأی دادگاه صلاحیت‌دار خواهد بود. در صورت تخلف به حبس جنحه‌ای از شصت و یک روز تا یک سال و یا پرداخت جزای نقدی از پنج هزار و یک تا پنجاه هزار ریال و یا به هر دو محکوم خواهند شد.

اما این ماده در خصوص اشخاص حقوقی است و ضمانت اجرای آلودگی توسعه پایدار توسط اشخاص حقیقی در ماده ۱۳ پیش‌بینی شده است که به موجب آن: «کسانی که از مقررات و ضوابط مذکور در آیین‌نامه‌های موضوع ماده ۱۰ تخلف نمایند برحسب مورد که در آیین‌نامه‌های مزبور تعیین خواهد شد به جزای نقدی از پانصد ریال تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهند شد. در این خصوص نیز همان چالش تعارض قانون حفاظت و بهسازی توسعه پایدار و ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات وجود دارد که باید به اعمال ماده اخیر در خصوص آلودگی خاک معتقد بود.

۱۴- جرم‌انگاری آلودگی صوتی

در نظام حقوقی ایران قوانین و مقرراتی به آلودگی صوتی توجه داشته‌اند که می‌توان مهم‌ترین آنها را قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴، آیین‌نامه نصب و استفاده از بلندگو مصوب ۱۳۳۹، قانون حفاظت و بهسازی توسعه پایدار مصوب ۱۳۵۳، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴، آیین‌نامه اجرایی نحوه جلوگیری از آلودگی صوتی مصوب ۱۳۷۸ و قوانین برنامه سوم و چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برشمرد. مطابق بند ۲ ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی نحوه جلوگیری از آلودگی صوتی این عمل عبارت است از: «پخش و انتشار هرگونه صوت و صدا و ارتعاش بیش‌ازحد مجاز و مقرر در فضای باز (غیر سرپوشیده)». این آیین‌نامه میان عامل آلودگی صوتی و منابع آلودگی صوتی تفاوت قائل شده است. مطابق بند ۵ ماده ۱: «عامل آلودگی صوتی... عبارت است از هر شخص حقیقی که اداره یا تصدی منابع ثابت و هدایت منابع سیار مولد آلودگی صوتی را خواه برای خود، یا به نمایندگی از طرف شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگر بر عهده داشته و یا شخصاً به طرق مختلف عامل ایجاد آلودگی است»؛ اما از جمله منابع و کانون‌های آلودگی صدا می‌توان به نیروگاه‌ها و پالایشگاه‌ها، کارخانه‌ها و کارگاه‌ها، وسایل نقلیه موتوری اعم از هوایی، دریایی، زمینی و هوایی، فرودگاه‌ها و سایر منابعی اشاره کرد که به هر نحو آلودگی صوتی تولید می‌کنند.

اما در خصوص جرم آلودگی صوتی می‌توان مقررات دوگانه‌ای را یافت که دسته اول فقط بر ممنوعیت این رفتار تأکید داشته که از این جهت چون همراه با سرزنش کیفری نبوده در قلمرو حقوق کیفری قرار نگرفته، اما دسته دوم پرچم ضمانت اجرای کیفری را برافراشته و بدین‌سان در قلمرو حقوق کیفری قرار می‌گیرند. از جمله مقررات دسته اول می‌توان به ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی توسعه پایدار و ماده ۲ آیین‌نامه اشاره کرد که اقدام به هر عملی که موجبات آلودگی توسعه پایدار را فراهم نماید ممنوع اعلام کرده است. همچنین می‌توان به بند ۲ اصلاحی قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴ اشاره کرد که تأسیس کارخانه‌ها، کارگاه‌ها، گاراژهای عمومی، تعمیرگاه‌ها و به‌طور کلی مشاغلی که ایجاد مزاحمت و سروصدا کنند را ممنوع دانسته است. اما جرم‌انگاری آلودگی صوتی به‌صراحت در دو قانون مورد اشاره قرار گرفته است. اول آیین‌نامه راجع به نصب و استفاده از بلندگو مصوب ۱۳۳۹ که استفاده از بلندگو را تحت رعایت ضوابطی دانسته است. از جمله مهم‌ترین ضوابط این آیین‌نامه می‌توان به کسب اجازه از شهربانی برای استفاده از بلندگو؛ عدم ایجاد مزاحمت برای افراد و اخلال در نظم در صورت استفاده از بلندگو و ممنوعیت استفاده از بلندگو از ساعت ۱۳ تا ۱۶ و ۲۰ تا ۷ صبح اشاره کرد. ماده ۶ این آیین‌نامه ضمانت اجرای تخلف از این مقررات را حبس تک‌دیری از دو روز تا ده روز و یا غرامت تا دویست ریال پیش‌بینی کرده است. اما پرسشی که در خصوص این آیین‌نامه پیش می‌آید آن است که از اساس آیین‌نامه می‌تواند جرم‌انگاری نماید و رفتاری را جرم بشمارد یا خیر؟ در پاسخ باید بیان داشت که مطابق نظام حقوقی قبل از انقلاب، بر اساس قانون آیین‌نامه می‌توانست در امور خلافی جرم‌انگاری نماید اما در امور جنحه و جنایت خیر؛ اما پس از انقلاب چون مقرراتی در این زمینه وجود ندارد، آیین‌نامه توان جرم‌انگاری را نداشته و بر این اساس این آیین‌نامه نیز نمی‌تواند عنصر قانونی برای جرم آلودگی صوتی باشد.

دومین قانون که مهم‌ترین ضمانت اجرا برای به کیفر رسانی مرتکبان آلودگی صوتی است، ماده ۳۲ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ است که مقرر می‌دارد: «... عاملین آلودگی صوتی به جزای نقدی از سی هزار ریال تا سیصد هزار ریال و در صورت تکرار از یک‌صد هزار ریال تا یک‌میلیون ریال محکوم خواهند شد». در مواد ۷، ۱۱ و ۱۳ آیین‌نامه اجرایی نحوه جلوگیری از آلودگی صوتی نیز پس از بیان رعایت شرایط و ضوابطی از سوی منابع تولیدکننده، نقض این ضوابط را مستوجب کیفر مقرر در ماده ۳۲ پیش‌گفته دانسته است. علاوه بر این قانون حفاظت و بهسازی توسعه پایدار نیز مقرراتی را در زمینه جرم‌انگاری آلودگی صوتی دارد. از جمله ماده ۱۰ این قانون که جلوگیری از پخش و ایجاد صداهای زیان‌آور به توسعه پایدار در زمره وظایف سازمان توسعه پایدار شناخته شده است و تکلیف تصویب آیین‌نامه‌هایی در این راستا پیش‌بینی شده است و ماده ۱۳ که ضمانت اجرای نقض آیین‌نامه‌های ماده ۱۰ را جزای نقدی از پانصد ریال تا پنجاه‌هزار ریال تعیین کرده است. در خصوص جرم آلودگی صوتی چند نکته قابل‌ذکر است. نخست آن‌که عمل مرتکب در این جرم پخش و انتشار هرگونه صوت و صدا و ارتعاش بیش‌ازحد مجاز. دوم آن‌که به نظر می‌رسد جرم آلودگی صوتی یک جرم با مسئولیت مطلق است که در تحقق آن نیازی به اثبات سوءنیت نیست؛ بنابراین مقنن با نگاهی به نتیجه اثر که ایجاد آلودگی صوتی است، معتقد است که بروز چنین رفتار و نتیجه‌ای موجب تحقق جرم می‌شود هرچند که مرتکب قصد چنین رفتار و نتیجه‌ای را نداشته باشد. سوم آن‌که چالش پیش‌گفته در مورد پراکندگی قوانین کیفری در خصوص توسعه پایدار

شهری وجود دارد و لازم است که مقنن به رفع این اختلافات بپردازد چراکه در مورد این جرم نیز هم قانون حفاظت و بهسازی توسعه پایدار مقرراتی را به تصویب رسانده است و هم قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا.

References

- Abdullahi, Mohsen (2007), Criminal Protection of the Environment: Reflection on the Requirements of Environmental Criminal Law. *Quarterly journal of environmental sciences*, 5 (1), 117-97.
- Ahmadian, Majid (1381), *Renewable Resource Economics*, Tehran, Publication.
- Farahani Farhad, Saeed (2002), *Economic Policy in Islam*, Tehran, Research Center for Islamic Culture and Thought.
- Feyz Kashani, Mollah-Hassan (1416), *Tafsir Safi*, Qom, Al-Hadi, Second, 1416 AH, C 5.
- Ghasemi, Naser (2006), Basics of Environmental Crime. *Quarterly Legal Opinions*, 39 and 38.40-29.
- Ghasemzadeh, Seyyed Roohollah (2010), Study of the Legal Dimensions of the Environment with Emphasis on the Prevention of Environmental Pollution. *Allama Quarterly*, 15, 134-107.
- Gholami, Roohollah and Mohsen Seyfi Sharghari and Najaf Ali Shahbazi (2013), Social and economic factors of marginalization in Iran (Tehran Metropolitan Case Study), *Afqah Security, Quarterly Journal*, No. 20.
- Ghorbani, Rasool and Mohammad Reza Pourmohammadi and Majid Beheshti Z. (2011), An Analysis of the Typology of Urban Parks in East Azarbaijan Province Using the Analytical Model of Granges, *Quarterly Journal of Urban and Regional Studies and Research*, No. 8
- Gorbani, Rasool (2004), An Analysis of Urban Conservation Policies and Programs in Iran, *Geography and Planning Quarterly*, No. 17
- Habibi, Mohsen (1989), The Government and Development of Tehran, 1320-1304, *The Journal of Environmental Studies*, Volume 15, Number 15
- Houshang, Mehran (1977), Chemical Pollution of Soil. *Journal of Ecology*, 7 (7), 130-124.
- However, Torkmani, Reza, Hamed Zarei and Mohammad Hossein Gholbash (2011), A Study on the Low Employment Capacity of Tehran's Economy Departments by Using the Increasing Coefficient of Net, *Quarterly Journal of Work and Society*, No. 138
- Kamranrodi, Mosa (2014), Structural Violations and Spatial-Physical Changes in Metropolitan Area of Tehran, *Quarterly Journal of Spatial Environment Analysis, Environmental Health*, First Year - Issue 2
- Khalatbary, Firoozeh (1993), *Natural Resources Economics*, Tehran, Publication and Education of the Islamic Revolution.
- Khaleghi, Abu al-Fitah and Rishivadi, Hojatullah (1392), Iran's penal policy of protecting water resources in accordance with international documents. *Quarterly Journal of Criminal Law Research*, 2 (3), 141-119.
- Kolleini, Jacob (1986), *Al-Fife*, Tehran, Dar al-Kabul al-Islam,
- Koushki, Gholam Hossein (2009), The Challenges of Iran's Criminal Code in Environmental Crime. *Quarterly Journal of Legal Information*, 18 and 17, 104-87.
- Mahdizadeh, Javad (2002), City and History: A Theory of the Historical Process of Physical-Spatial Development in Tehran (Part 2 - Our Renovation and Development in Tehran, *Quarterly Journal of Urban Planning*, No. 3
- Mahdizadeh, Javad (2006), Transformation in Urban Paradigms, *Quarterly Journal of Urban Planning*, Nos. 15 & 16
- Mir Mohammad Sadeqi, Hussein (2012), *Crimes against security and general comfort*. Tehran: Publishing Same, 21st edition
- Moldan, Badrich and Bilharz, Suzan (2002), *Sustainable Development Indicators*, Tehran, EPA Publications, I, 2002.
- Naddeh Farahani, Ismail (2014), Dense Life; A Review on the Influence of Culture on Economic-Developmental Policies with an Emphasis on the Condensed Matter, *Quarterly Surat Andesh*, No. 81
- Nejat, Seyed amine and Dabiri, Farhad (2014), Review of the Criminal Challenges Caused by the Implementation of Article 688 (914) of the Islamic Penal Code, *Journal of Legal Studies*, Shiraz University, 7 (2), 197-173.

- Nozari, Kamal and Masoudeh Rajab Doust (2009), Urban Planning and Citizen Orientation, or Modernist and Functionalist Planning, Quarterly Journal of Geography Education, No. 8
- Pourbafarani, Hasan (2011), Crimes against Public Safety and Security, Tehran: Jungle Publication, First Edition
- Radcliff, Michael (1984), Sustainable Development, Hossein Nair, Tehran, Center for Agricultural Planning and Economics Studies.
- Safarzadeh, Ayub (2011), Urban Planning, Urban Design, Urban Planning at a Glance, Moon Art, The Beautiful Quarterly, no. 9.
- Safavi, Seyyed Yahya and Bahlol Ali Janni (2006), Geographical Factors in Tehran's Air Pollution, Quarterly Journal of Geographical Research, No. 58.
- Safavid, Seyyed Yahya (2001), Considerations for High-level Construction in Tehran: Tall Buildings in Tehran, Quarterly Journal of Geography Education, No. 58.
- Shabani, Jafar (2010), The role of municipalities in preventing marginalization and related crimes, Quarterly Journal of Law Enforcement, No. 3.
- Shahriari, Seyyed Kamalodin (2004), Special: The Urban Construction System in Tehran and its Consequences on Traffic, Strategic Quarterly, No. 33.
- Soltani, Ali, and Roya Atisani Qasr al-Dashty (2010), The role of urban density in car dependence Case study of three residential areas in a district of Shiraz, Quarterly Journal of Urban and Regional Studies and Research, No. 5.
- Soltani, Mohammad and Shahram Amir-Dabbaghi (2009), Garden Patterns of Towns; A Tool for the Development of Small Towns in Rural Areas (Case of the Village of Hawiq Talesh), Quarterly Journal of Urban Management Studies, No. 2.
- Tadarou, Michael (1999), Economic Development in the Third World, Gholamali Farajadi, Tehran, Rebecca Publishing.
- Taghizadeh Ansari, Mostafa-e (1374), Environmental Law in Iran. Tehran: Publication of the side, first print.
- Taskhiri Mohammad Ali (2003), Fifty Lessons in Islamic Economics, Tehran, Mashhgzadeh Publishing House, 1st, 1382.
- Turner RK, Pierce Dee and Batman (1995), Environmental Economics, Siavash Dehghanian, Avaz Kuchiki and Ali Kolaei Ahari, Ferdowsi University Press, Mashhad.
- Vafadar, Ali (2007), The Commitment and Responsibility of Governments in Respect of the Environment. Journal of Environmental Science and Technology, 9 (1), 110 101.
- Ziyari, Karamatollah and Leila Vahidian Baki and beautiful Pearnon (2012), An Analysis of the Environmental Crisis and Spatial Distribution of Green Space in Tehran, Quarterly Journal of Urban and Regional Studies and Research, No. 14.
- <https://www.amar.org.ir>
- <http://www.maphill.com>